

## معاونت در جرایم مستوجب حد در حقوق کیفری ایران

سید اسلام موسوی

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد

### چکیده

یکی از عمده ترین مسائل مطروحه در زمینه حقوق جزای عمومی مبحث معاونت در جرایم حدی است. معاونت در جرم به معنای همکاری و مساعدت با مباشر جرم به طرق پیش بینی شده در قانون بدون بدون دخالت معاون در عنصر مادی آن جرم، که این همکاری از نظر زمانی باید قبل یا مقارن با وقوع جرم اصلی باشد. عنصر مادی معاونت باید فعل مثبت باشد نه ترک فعل و خودداری از انجام عمل؛ وحدت قصد و تقدم و اقتران زمانی بین عمل معاون و مباشر جرم نیز شرط است. ضرورت وجود این شرایط نباید موجب این برداشت شود که عمل معاونت در جرم و یا مجازات آن مستقل نمی باشد؛ چرا که معاونت در جرم شامل اسباب جداگانه و ارکان مستقلی است. اینکه چه افرادی و در چه شرایطی معاون جرم محسوب می شوند و اندازه اثر گذاری آنان به چه میزان است و اینکه از منظر مقنن مجازات آنان با توجه به نقششان در ارتکاب جرم به چه مقدار است. بنابراین موضوع بحث معاونت در جرایم مستوجب حد در حقوق کیفری ایران که در پی بررسی آن هستیم. معاونت در جرم آن است که شخصی، مرتکب یا مرتکبان اصلی جرم را که در انجام عنصر مادی جرم مداخله مستقیم داشته اند در قالب تحریک، ترغیب، تهدید، تطمیع، به کار بردن دسیسه، فریب و نیرنگ تهیه وسایل ارتکاب جرم، ارئه طریق ارتکاب جرم و یا تسهیل وقوع جرم یاری نماید. معاونت، جرم مستقلی نیست بلکه جرم بودن خود را از جرم اصلی عاریه می گیرد. بنابراین، نقش معاون در ارتکاب جرم یک نقش تبعی است؛ زیرا معاون در عنصر مادی جرم مداخله ای ندارد. از این رو قانون مجازات اسلامی به تبعیت از فقه، مجازات معاون را خفیف تر از مجازات مباشر جرم مقرر نموده و این در حالی است که در قانون جزای برخی کشورها مانند افغانستان و مصر، مجازات معاون و مباشر یکسان می باشد که در این نوشتار با موضوع بحث معاونت در جرایم مستوجب حد در حقوق کیفری ایران ملاک قانون مجازات اسلامی و فقه مبنی بر خفیف تر بودن مجازات معاون را به عنوان یک رویکرد عادلانه تر بررسی می کنیم.

واژه‌های کلیدی: معاونت، حدود، وحدت قصد، مباشر، تحریک

## مقدمه

امنیت و قوام نظام یک جامعه وابسته به تشویق و پاداش نیکوکاران و تنبیه و کیفر هنجارشکنان و متخلفان از قانون است. مکتب حیات بخش اسلام با برنامه های تربیتی و اخلاقی و خودسازی از سویی، و اصلاح محیط از سوی دیگر، عوامل و زمینه های جرم و گناه را از بین می برد و از وقوع هنجارشکنی و ظلم و جنایات پیش گیری می کند. هرچند عموماً افراد در جامعه اسلامی یا از تربیت والای انسانی و اسلامی برخوردارند و یا دست کم تحت تأثیر محیط جامعه دینی قرار دارند، ولی در عین حال، همواره هستند عده ای که هنجارهای یک جامعه دینی را بر نمی تابند و از هر فرصتی سوء استفاده می کنند و دست به قانون شکنی و تجاوز به حقوق دیگران می زنند. اسلام برای درمان این علف های هرز و افراد نابهنجار جامعه، علاوه بر مجازات و عقاب شدید اخروی، در همین سرا نیز قوانینی کیفری مقرر داشته است تا این عده از بیم کیفر و مجازات، مرتکب جرایم و جنایات و اعمال خلاف قانون نشوند و در نتیجه، نظم و آرامش و تبعیت از هنجارهای دینی و اجتماعی برقرار شود. در تعریف جرم از نظر قانون، دو ویژگی ملاحظه شده است: یکی، ویژگی خصوصی جرم، از آن جهت که وقوع جرم موجب ضرر و زیان شخص یا اشخاص معینی می شود. دیگری، ویژگی عمومی جرم از آن جهت که ارتکاب جرم مخل نظم و تجاوز به حقوق عمومی است. در حالی که جرم در اصطلاح فقهی به معنی گناه و معصیت است و آن عبارت است از سرپیچی و مخالفت با اوامر و نواهی شارع مقدس که شامل هر فعل یا ترک فعلی می شود که دارای ضرر اجتماعی است و یا موجب ضرر و زیان و تباهی شخص مرتکب می شود. بنابراین، در تعریف فقهی جرم دو ویژگی مدنظر است: ۱. تجاوز به حق الله؛ یعنی جرایمی که مخل نظم و حقوق عمومی و اخلاق حسنه و امثال آن است. ۲. تجاوز به حق الناس؛ یعنی جرایمی که جنبه خصوصی و شخصی دارد و ضرر و زیان متوجه فرد یا افراد معینی می شود.

جدا از تمامی اهداف مطلوبی که برای جرم انگاری جرایم مستوجب حد ذکر شده است همچون اینکه جرایم جرایم مستوجب حد جنبه‌ی تمهیدی (مقدمه ای) دارند یعنی جرایمی از قبیل سقط جنین و... در دامن این جرایم گسترش پیدا می‌کند و یا اینکه با عرض و آبروی افراد مرتبط هستند باید بیان نمود جرایم جرایم مستوجب حد مختص به جرایم ذکر شده در قسمت حدود و محدود به جرایم ذکر شده در فقه نیست بلکه زمان نیز همچنان که در ایجاد یک فعل که قانونگذار وصف جرم بودن را برای آن تحمیل می کند ممکن است در ایجاد یک جرم مستوجب حد جدید هم تأثیر گذار باشد از جهتی دیگر زمان و مکان به نحوی دیگر تأثیر خود را به نحوه اجرای مجازات، شکل مجازات و... می گذارد و جرایم نیز بی تأثیر از این زمان نیز نمی باشد. آنچه جرایم مستوجب حد ضرورت بررسی را در این زمینه ایجاد می‌کند این است که قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در خصوص جرایم جنسی در قسمت حدود با پاره ای تغییرات و تحولات همراه بوده است، لازم است با تحلیل فقهی حقوقی برخی از این مواد و با در نظر گرفتن اهداف شریعت اسلامی در جرم انگاری جرایم مستوجب حد، مبنایی که قانونگذار اسلامی از آن پیروی کرده و باید از آن پیروی کند به گونه ای که در پیروی از آن تحولات زمان و مقتضیات زمان را لحاظ کند را شناخت به نحوی که در دستیابی به هدف، بهترین و موثرترین روش را به کار گرفت.

در این پژوهش با بررسی مبانی و همچنین اهداف جرم انگاری جرایم مستوجب حد و تحلیل قوانین جزایی ایران، سیاست تقنینی جمهوری اسلامی ایران را به خصوص در قانون مجازات ۱۳۷۰ و قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ نسبت به این جرایم مورد تحلیل قرار دهیم؛ و ببینیم مبنای اساسی که قانونگذار از آن پیروی می کند چیست و اینکه تحولات صورت گرفته در خصوص جرایم جنسی و این تغییر رویکردها آیا به منزله این می باشد که قانونگذار در سیاست جنایی خود از مبانی دست شسته است و یا نه؛ این تحولات ناشی از تأثیری است که اندیشه های حقوق بشری به همراه خود آورده است. بدین نحو که یکی از بحث-

های مهم و چالش برانگیزی که امروزه از سوی برخی اندیشمندان و به ویژه سازمان های مدافع حقوق بشر در باب کیفیهای اسلامی مطرح می شود مسأله جایگزین شدن مجازات و کیفیت اجرای حدود الهی است. می گویند: «مجازات از قبیل سنگسار کردن، قطع دست و... مخالف با حقوق بشر و عاطفه انسانی بوده و باید به زندان، جریمه مالی و... تبدیل شود» (رهامی، ۱۳۸۴: ۱۵).

### ۱-۱- تعریف معاون جرم

معاون جرم کسی است که شخصا در ارتکاب عنصر مادی جرم قابل استناد به مباشر و شرکای جرم دخالت نداشته بلکه از طریق تحریک، ترغیب، تهدید، تطمیع، دسیسه و فریب و نیرنگ ایجاد تسهیلات در وقوع جرم، تهیه وسایل و یا ارائه طریق، در ارتکاب رفتار مجرمانه همکار و دخالت داشته باشد (گلد و زیان دکتر ایرج، حقوق جزای اختصاصی ص ۱۸۷).

در بعضی موارد نیز مشارکت جزایی شامل تبانی و تفاهم آنی بین دو یا چند شخص برای ارتکاب یک جرم معین است. تمامی افرادی که در عملیات مادی جرم نقش اصلی و مستقیم داشته اند مباشرین و شرکای جرم هستند در مقابل کسانی که رفتارشان تنها جنبه کمک به مباشر با شرکای جرم در تدارک یا ارتکاب مادی جرم داشته است و به صورت غیر مستقیم یا تبعا در وقوع جرم مشارکت داشته اند معونین جرم به حساب می آیند.

ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی: مقرر می دارد، که اشخاص زیر معاون جرم محسوب می شوند:

الف- هر کس، دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع، یا تحریک به ارتکاب جرم کند یا با دسیسه یا فریب یا سوء استفاده از قدرت، موجب وقوع جرم گردد.

ب- هر کس وسایل ارتکاب جرم را بسازد یا تهیه کند، یا طریق ارتکاب جرم را به مرتکب ارائه دهد.

پ- هر کس وقوع جرم را تسهیل کند.

تبصره - برای تحقق معاونت در جرم، وحدت قصد و تقدم یا اقتران زمانی بین رفتار معاون و مرتکب جرم شرط است. چنانچه فاعل اصلی جرم، جرمی شدیدتر از آنچه مقصود معاون بوده است مرتکب شود، معاون به مجازات معاونت در جرم خفیف تر محکوم می شود.

از آنجا که یکی از موضوعات مطرح شده در قوانین جزایی کشورهای مختلف، موضوع «معاونت در جرم» است لذا همواره این پرسش مطرح گردیده است که آیا معاونت در جرم به تنهایی جرم مستقلی محسوب می شود یا این که جرم بودن خود را از جرم دیگری عاریه می گیرد؟

به نظر می رسد که معاونت در جرم، جرم مستقلی نیست بلکه جرم بودن خود را از جرم دیگری عاریه می گیرد و نوع عاریه گرفتن آن هم از نوع نسبی است نه مطلق؛ یعنی در اصل جرم بودن، تابع جرم دیگری است اما در مجازات می تواند تابع آن نباشد و مجازاتی خفیف تر از مجازات مجرم اصلی داشته باشد.

### ۱-۲- مفهوم شناسی معاونت در جرم

معنای لغوی معاونت اهل لغت، «معاونت» را به «مظاهره» (پشتیبانی کردن، یاری رساندن و کمک نمودن) معنا کرده اند (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۵۳ و ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۲۹۸). بنابراین، «معاون» به معنای «ظهری» (پشتیبان)،

یاری گر و کمک رسان است و معاونت در جرم» به معنای پشتیبانی، کمک و یاری رساندن به کسی در انجام عملی مجرمانه است.

به نظر برخی فقها، اعانت عبارت است از انجام بعضی از مقدمات کاری که دیگری انجام می دهد، با قصد تحقق فعل از آن شخص موردنظر، نه بدون قصد مطلقاً انصاری، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۶۸)

برخی دیگر بر این باورند که معاونت بر اثم یعنی ایجاد مقدمه ای از مقدمات فعل غیر، اگرچه تهیه مقدمات از روی قصد نباشد و فاعل نیز در انجام فعل مستقل باشد، مشروط به این که معان علیه محقق شود (خوبی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۲۷۷)

از دیدگاه امام خمینی (ره) معاونت، تهیه مقدمات و اسباب معصیت برای کسی است که قصد ارتکاب آن را دارد؛ حال این تهیه اسباب برای رسیدن به هدف باشد یا نه و یا اثم در خارج تحقق یابد یا نه، در هر صورت اعانت بر اثم بوده و حرام است (امام خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۱۱)

صاحب قواعد الفقهیه نیز بیان داشته است که «مراد از اعانت بر اثم کمک کردن گنهکار در گناهی که از وی صادر می شود و آن هم به ایجاد جمیع یا بعضی از مقدمات حرامی است که مباشر مرتکب آن می شود» (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۶۶).

مرحوم نائینی هم معاونت را این گونه تعریف نموده است: «معاونت عبارت است از هر عملی که توسط آن، شخصی دیگر را یاری نموده و او را در رسیدن به هدفش قادر سازد» (نائینی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۷).

در مجموع می توان گفت که اگر شخصی در عملیات اجرایی مرتکب جرم، هیچ مداخله ای نداشته بلکه نقش او فرعی و منحصر به اموری چون تهیه مقدمات یا تشویق و ترغیب مرتکب جرم باشد معاون جرم محسوب می شود (مرعشی شوشتری، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۶۹).

## ۲-۲- جرائم حدی

جرایم مستوجب حد از نظر شارع مقدس و دین مبین اسلام به شرح زیر بیان گردیده است. شهید ثانی در کتاب مشیقه باب الحدود به بیان جرائم حدی پرداخته و میزان مجازات شرعی و قانونی آن را بیان نموده است، که عمده این جرایم شامل زنا، لواط، قوادی، مساحقه، شرب خمر، سرقت، ---، قذف، محاربه، بغی و افساد فی الرض و قتل می باشد که در ادامه ی این بحث به میزان مجازات های مرتکبین جرایم فوق الذکر و مجازات معاونت در این جرایم پرداخته می شود.

## ۳-۱- حدود در قانون مجازات

### ۳-۱-۱- حد سرقت در قانون مجازات

باتوجه به تعریفی که قانون مجازات اسلامی از سرقت کرده است، نویسندگان حقوق کیفری بر این عقیده اند که چون قانونگذار ایران سرقت را معنون به حد و تعزیر کرده است، بایستی تعریف آن به گونه ای باشد که هر دو را شامل شود و تعریف کنونی قانون مجازات اسلامی هر دو را در بر نمی گیرد. زیرا به عقیده آنها قید «به طور پنهانی» که در ماده ۱۹۷ قانون اخذ شده، مربوط به سرقت مستوجب حد است و چون سرقت مستوجب تعزیر نیز وجود دارد، بایستی تعریف به گونه ای باشد که شامل آن نیز بشود. «(صادقی، ۱۳۷۶: ۱۸۶)

برای رفع این اشکال گفته اند، باید قید «بطور پنهانی» حذف و بجای آن قید «متقلبانه» جایگزین گردد. از این روی تعریفی را از حقوقدانان گذشته که از نظام حقوقی فرانسه اخذ شده است. ارائه کرده و گفته اند: سرقت عبارت است از: ربودن متقلبانه مال منقول متعلق به دیگری. (شامبیاتی، ۱۳۷۵: ۳۷)

از دیدگاه آنان تعریف فوق از سرقت، شامل سرقت حدی و تعزیری است زیرا متقلبانه بودن، یعنی فقدان علم و رضایت صاحب مال. بنابراین برای تحقق مفهوم متقلبانه، بحسب ظاهر وجود دو عنصر عدم علم و عدم رضایت صاحب مال ضروری است. به نظر نگارنده، اینگونه تغییر و اصلاح در تعریف سرقت با توجه به ذهنیتی است که حقوقدانان ایرانی از نظام حقوقی انگلیس و فرانسه دارند. این امر درست به نظر نمی رسد، زیرا اگر قرار است تغییر و اصلاحی در تعریف سرقت انجام گیرد، بایستی با توجه به پیشینه فقهی و ذهنیت قانونگذار باشد، نه آنچه که در دیگر نظامهای حقوقی مطرح است. همانگونه که قبلاً نیز بیان گردید، قانونگذار در تعریف سرقت از مباحث فقهی بهره جسته و بر این باور بوده است که در آن چارچوب مشی کند. در نوشته های فقهی که برگرفته از کتابهای لغوی است، در نهاد و معنای واژه سرقت تاکید می شود، مخفیانه بودن اخذ شده است، خواه سارق مستوجب حد باشد یا تعزیری. در هر حال، هنگامی سرقت صدق می کند که عمل مخفیانه انجام پذیرد. حال اگر شرائط حد فراهم شود مستوجب حد والا مستوجب تعزیر خواهد بود. لذا این سخن که برای شمول تعریف نسبت به سرقت تعزیری باید قید «مخفیانه» حذف شود، درست نیست. از دیدگاه لغت و فقه، سرقت یعنی عمل مخفیانه، به گونه ای که اگر عمل ربودن مخفیانه نباشد سرقت صدق نمی کند، بلکه واژه های دیگری چون اختلاس یا استلاب بکار برده می شود. قانونگذار نیز با توجه به اصلاحاتی که طی چند مرتبه انجام داده، قید مخفیانه را حذف نکرده و عملاً بر این نکته تاکید ورزیده است که در تعریف سرقت همان اصطلاح اهل لغت و فقها را مدنظر دارد و منظور از مخفیانه بودن همان معنای معروف و معمول خود که پنهانی بودن است، می باشد و بدین لحاظ نیز عنوان مجرمانه «ربودن مال غیر» را در کنار واژه سرقت، در فصل بیست و یکم قانون مجازات اسلامی، بخش تعزیرات، بوجود آورده است، تا دزدیهایی را که به صورت آشکار، انجام می شود، مورد حکم قرار دهد. بنابراین تعریف سرقت با صرف نظر از مباحث فقهی و لغوی، درست نیست و نبایستی در تفسیر و تحلیل آن از دیدگاههای حقوقدانان دیگر کشورها استفاده کرد.

از سوی دیگر تعریفی را که در نوشته های حقوقی به عنوان تعریف درست از سرقت ارائه کرده اند، از نظر شکل و محتوا، دارای اشکال است. اما از نظر شکل، با وجود واژه «ربودن» بی نیاز از ذکر «منقول» هستیم زیرا ربودن در لغت به معنای برداشتن و بردن است. و در نهاد آن منقول بودن مال نهفته است. (قربانی، ۱۳۷۱: ۱۳۶)

از نظر محتوا نیز با توجه به تفسیری که از متقلبانه بودن ذکر گردید و آن عبارت بود از عدم توجه و رضایت صاحب مال، جامعیت تعریف مورد اشکال قرار می گیرد زیرا با توجه به ظاهر تفسیر که عدم رضایت صاحب مال به عدم آگاهی عطف شده است، اگر سارق در حضور مالک با بکار بردن زور، اموال وی را به سرقت برد و یا در صورتی که صاحب مال به طور اتفاقی شاهد سرقت اموال خودش باشد و معذک از ترس، اقدامی نکند، عمل مزبور، مشمول تعریف سرقت نخواهد شد، زیرا در هر دو صورت، وی نسبت به ربودن مال خویش آگاهی دارد، اگر چه رضایت ندارد. به دیگر سخن، چنین تعریفی سرقتهایی را که به صورت علنی و آشکار صورت پذیرد، در بر نمی گیرد و حال آنکه غرض از چنین تفسیری این بود که دزدیهای علنی و با قهر و غلبه نیز، مشمول تعریف شوند. «(صادقی، ۱۳۷۶: ۱۸۹)

به نظر نگارنده از آنجا که جرائم و ارکان تشکیل دهنده آن، با توجه به فرهنگ و مذهب، تفاوت پیدا می کند و بدین جهت در برخی موارد نمی توان تعریف مورد قبول همه نظامهای حقوقی ارائه کرد، منطقی است که در تعریف این گونه جرائم به زمینه

های آن توجه نمود و نظر قانونگذار را که بر گرفته از همان فرهنگ و مذهب است، در نظر گرفت. از این رو با توجه به نظام حقوق کیفری ایران و با عنایت به آخرین اصلاحاتی که درباره جرم دزدی صورت پذیرفته و قانونگذار عنوان جدید بودن مال غیر را در کنار سرقت ذکر نموده است، مناسب به نظر می‌رسد، جرم دزدی چنین تعریف شود: دزدی عبارت است از: بردن مال غیر بدون رضایت او.

درباره تعریف بالا دو نکته قابل ذکر است: اولاً: بجای واژه «ربودن» از «بردن» استفاده شده است؛ زیرا ربودن در لغت به معنای استلاب و اختلاس آمده است و از آنجا که تعریف بایستی منطقی جامع افراد و مانع اغیار باشد، با وجود واژه ربودن، تعریف شامل دزدیهای مخفیانه نمی‌شود، لذا به جای ربودن، بردن ذکر شده تا هم شامل سرقتهای حدی و تعزیری (دزدیهای پنهانی) و هم در بردارنده ربودن های علنی و بطور کلی شامل هرگونه دزدی شود. (دهخدا، ۱۳۷۲: ۱۹۶)

### الف- تحلیل جرم دزدی در قانون مجازات اسلامی

همانگونه که در مباحث گذشته بیان گردید، پس از چند دوره تغییر و اصلاح در قانون مجازات اسلامی و با وجود ایراداتی که نویسندگان حقوقی درباره تعریف سرقت مطرح کرده بودند، قانونگذار همچنان قید «به طور پنهانی» را در تعریف سرقت اخذ نموده است. این برخورد قانونگذار به روشنی بیانگر این نکته هست که وی قید مذکور را از ارکان تشکیل دهنده جرم سرقت می‌داند و رکن امری است که اگر نباشد، آنچه که رکن در آن اخذ شده است، تحقق پیدا نمی‌کند. در نتیجه، چنانچه ربودن مال مخفیانه نباشد، مفهوم سرقت نیز وجود پیدا نمی‌کند، بلکه عناوین دیگری، مانند: استلاب، اختلاس یا طء، جایگزین آن خواهد شد و بدین لحاظ برای اینکه قانونگذار آن عناوین را نیز مورد حکم قرار دهد، در قانون مجازات مصوب دوم خرداد ۱۳۷۵ فصل جدیدی را زیر عنوان سرقت و ربودن مال غیر باز کرده و عنوان مجرمانه ربودن مال غیر را در کنار سرقت مطرح کرده است، تا علاوه بر بیان مجازات سرقت (ربودن مخفیانه) مجازات دزدیهای علنی را نیز بیان کنند. لذا در همان فصل پس از ذکر انواع گوناگون سرقت، به طور مستقل ربودن مال غیر را مورد حکم قرار داده و چنین مقرر داشته است:

هر کس مال دیگری را بر باید و عمل او مشمول عنوان سرقت نباشد به حبس از شش ماه تا یکسال محکوم خواهد شد و اگر در نتیجه این کار صدمه ای به مجنی علیه وارد شده باشد، به مجازات آن نیز محکوم خواهد شد. ماده یاد شده به روشنی بیانگر عنوان مجرمانه جدیدی در کنار سرقت است و جای هیچ شک و شبهه ای را باقی نمی‌گذارد. لذا در ماده ۶۶۷ نیز عنوان سارق را از عنوان رباینده جدا کرده و در ذیل آن نیز، مالی را که برده شده با عنوان مال مسروقه یا ربوده شده، یاد می‌کند:

در کلیه موارد سرقت و ربودن اموال مذکور در این فصل، دادگاه علاوه بر مجازات تعیین شده، سارق یا رباینده را به رد عین و در صورت فقدان عین به رد مثل یا قیمت مال مسروقه یا ربوده شده و جبران خسارت وارده، محکوم خواهد نمود. قانونگذار با تصویب مواد قانونی یاد شده، بدنال پر کردن خلاء قانونی بوده که در این زمینه وجود داشته است و چنین برخوردی بیانگر پیروی کردن وی از مباحث فقهی است. زیرا همانگونه که در گذشته بیان گردید، فقها با عنایت به معنای لغوی سرقت که در آن مخفیانه بودن عمل اخذ شده است، مفاهیم دیگری را زیر عنوان اختلاس، استلاب و طء، مطرح کرده و صریحاً گفته اند، اگر بردن مال غیر سرا و خفیه نباشد، سرقت صدق نمی‌کند. «۵۵» استلاب، اختلاس طء، دزدی بوسیله خوراندن داروهای بیهوش کننده یا خواب آور و گونه های متفاوت دزدی است که در فصل بیست و یکم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ ذکر شده و حال آنکه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ مورد حکم قرار نگرفته بودند. بنابراین با توجه به تعریف سرقت و پافشاری قانونگذار بر حفظ قید مخفیانه در تعریف آن، هر جا در مواد قانونی واژه سرقت بکار رفته است، قاعدتاً بایستی عملی

باشد که مخفیانه انجام شده است. با این حال در برخی موارد واژه سرقت درمصادیقی بکار رفته که با مخفیانه بودن عمل، سازگاری ندارد، مانند سرقت موضوع ماده ۶۵۲. ماده مذکور مقرر می‌دارد:

### ب- تحلیل ماده ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی

ماده یاد شده مقرر می‌دارد: هر کس مال دیگری را بر باید و عمل او مشمول عنوان سرقت نباشد، به حبس از شش ماه تا یکسال محکوم خواهد شد و اگر در نتیجه این کار صدمه ای به مجنی علیه وارد شده باشد، به مجازات آن نیز محکوم خواهد شد.

ماده مذکور به روشنی دلالت بر تفکیک بین عنوان مجرمانه سرقت و ربودن مال غیرمی‌کند و با توجه به مباحث گذشته، معلوم می‌شود هر کس مال دیگری را بر باید و عمل او مشمول عنوان سرقت نشود، عملی است که پنهانی نبوده و آشکارا انجام شده است. زیرا فرض این است که عمل وی مشمول عنوان مجرمانه سرقت نیست و مطابق ماده ۱۹۷ قانون مجازات اسلامی، سرقت عبارت است از: ربودن مال به طور پنهانی. در ماده ۶۶۵ ربودن مال وجود دارد، پس آنچه اعث شده تا قانونگذار بگوید: «عمل او مشمول عنوان سرقت نباشد.»، پنهانی نبودن عمل است و الا چنانچه ربودن مال پنهانی باشد، دلیلی ندارد که عنوان سرقت بر آن منطبق نشود، در حالیکه قانونگذار تصریح می‌کند عمل، مشمول عنوان سرقت نیست (آزمایش، ۱۳۷۹: ۱۱۹). بنابراین معلوم می‌شود ربودن مال در ماده ۶۶۵ عملی است که به طور آشکار انجام شده است. به دیگر سخن، منظور از ماده ۶۶۵ رفتاری چون استلاب، اختلاس و طرء (جیب بری) است.

ماده مذکور نمی‌تواند ناظر به موارد فوق باشد زیرا قانونگذار در ماده ۶۵۷ هر یک از استلاب، اختلاس و طرء را زیر عنوان کیف زنی، جیب بری، مورد حکم قرار داده است. ماده ۶۵۷ اینگونه مقرر داشته است: هر کس مرتکب ربودن مال دیگری از طریق کیف زنی، جیب بری و امثال آن شود به حبس از یک تا پنج سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد. یکی از مشکلات عمده و مهم قانون مجازات اسلامی سابق در مورد جرم سرقت، در قانون جدید مصوب سال ۱۳۹۲ حل شده است، بدین صورت که در ماده ۱۹۷ قانون سابق اعلام شده بود که سرقت عبارت است از: ربودن مال دیگری به طور پنهانی و ذکر قید «پنهانی» در متن قانون، قضات و حقوقدانان را با مشکلات عدیده‌ای مواجه کرده بود زیرا کیف‌قاپی‌ها و سرقت‌های مسلحانه آشکار را شامل نمی‌شد.

قانون جدید مجازات اسلامی این اشکال را برطرف کرده است؛ به این صورت که ماده ۲۶۷ قانون جدید مجازات اسلامی در تعریف جرم سرقت بیان کرده است: «سرقت عبارت است از ربودن مال متعلق به غیر.» مجازات معاونت در سرقت مستوجب حد در تبصره (۲) ماده ۲۰۱ قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده است «معاون در سرقت موضوع ماده ۱۹۸ این قانون به یک سال تا سه سال حبس محکوم می‌گردد.» سرقت موضوع ماده ۱۹۸ که جامع شرط‌های ۱۶ گانه ی ذیل آن ماده باشد به سرقت مستوجب حد مشهور است و بنابر این ملاحظه می‌شود که در تبصره (۲) ماده (۲۰) قانون گذار برای معاونت در چنین سرقتی، حبس تعزیری از یک سال تا سه سال را پیش بینی کرده است.

### ۳-۱-۲- حد زنا و قوادی

تعریف قوادی در قانون مجازات اسلامی

قانون مجازات اسلامی در ماده ۲۴۲ قوادی را به این صورت تعریف نموده است:

قوادی عبارت از به هم رساندن دو یا چند نفر برای زنا (مقالات مرتبط با زنا - سوالات مرتبط با زنا) یا لواط است.

حد لواط با چهار بار اقرار ثابت و مستوجب اعدام است - اقرار متهم به تمکین از لواط تاثیری در موضوع از جهت مقتول ندارد و اثبات این امر از لحاظ عاملیت مقتول مثبت تلقی نمی شود

تبصره ۱- حد قوادی منوط به تحقق زنا یا لواط است در غیراین صورت عامل، مستوجب تعزیر مقرر در ماده (۲۴۴) این قانون است.

تبصره ۲- در قوادی، تکرار عمل شرط تحقق جرم نیست.

لغت قواد در فرهنگ معین به معنای کسی است که واسطه شهوترانی دیگران است. در فرهنگ دهخدا هم قیادت به معنای رهبری، راهبری و دلالتی محبت آمده است و شخصی را که این عمل را انجام دهد، قواد می نامند.

طبق تعریف این ماده، قوادی یعنی واسطه گری بین دو یا چند نفر برای عمل زنا و یا لواط. البته این واسطه گری می تواند در ازاء دریافت مبلغی پول باشد و یا اصلاً پولی رد و بدل نشود. البته این عمل در بعضی کشورها به صورت صنعتی نامشروع برای قاچاق زنان و دختران در آمده است. به طوری که از آن می توان به عنوان یک جرم سازمان یافته نام برد. جرمی که به عنوان یک تجارت پرسود برای گردانندگان شبکه های فساد در آمده است. این عمل غیرانسانی به دلیل گستردگی که پیدا کرده است به عنوان یک تهدید جدی برای اخلاق و منش انسانی درآمده است و بحرانی عظیم را برای تمامی جوامع انسانی باعث شده است. قاچاق زنان و دختران و تشکیل باندها و کارتل های بزرگ فساد و همچنین مراکز فحشا از دیگر آثار نامیمون جرم قیادت در جوامع غربی است. اما ذکر این نکته ضروری است که حتی درقوانین کشورهایایی که ازفحشای اختیاری جرم زدایی شده، واداشتن وتشویق دیگران به فحشا بویژه افراد نابالغ، جرم تلقی شده است (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۱۱۹).

هر چند ابعاد این رفتار ضد اجتماعی در جوامع سنتی تر مثل جامعه ی ما بسیار کوچک تر و محدودتر است، اما متأسفانه در مقیاس کوچکتر شاهد این عمل خلاف شرع و قانون در جامعه ی خودمان هستیم. به همین دلیل قانون گذار کشور ما با استناد به منابع فقهی این عمل را در زمره ی جرائم حدی قرار داده و برای آن مجازات در نظر گرفته است. البته در اینکه این جرم در ردیف جرائم موجب حد قرار می گیرد و یا خیر، محل اختلاف است ولی به هر ترتیب در این قانون جرم قوادی به عنوان یکی از جرائم حدی، جرم انگاری شده است.

در اتهام عمل لواط، چنانچه اوضاع و احوال موجود در پرونده حکایت از توجه اتهام بنماید، صدور حکم بر محکومیت متهم بلاشکال است - معاینه متهم به لواط - فاعل

الف-عناصر تشکیل دهنده ی جرم قوادی:

مانند سایر جرائم، قوادی نیز بایستی بر پایه ی عناصر متشکله ی خود تعریف شود.

۱-عصر مادی:

طبق تعریفی که در این ماده از جرم قوادی به عمل آمده است، عنصر مادی قوادی را می توان به هم رساندن دو یا چند نفر برای زنا و یا لواط دانست. البته برخلاف دیگر حدود مانندزناکه فقیهان، عنصرمادی آنرا بادقت بیان نموده اند، درمورد قوادی اینکار صورت نگرفته است. یعنی عنصر مادی جرم قوادی که در فقه، به صورت جمع کردن چند نفر برای زنا یا لواط ذکر شده



است، چندان روشن نیست. به ویژه در عصر حاضر که بخش قابل توجهی از رسانه های عمومی جهان در قالب برنامه های تلویزیونی، مجلات و تولید فیلمها و تبلیغات، زمینه هزاران گردهمایی و جشن به منظور انجام روابط نامشروع را فراهم میکنند، نمی توان عنصر مادی این جرم را به سادگی تعریف نمود. چرا که با پیشرفت فناوری و سریع و گسترده شدن ارتباطات در عصر حاضر، به هم رساندن دو یا چند نفر برای عمل لواط و یا زنا، می تواند جنبه های مختلفی را در بر داشته باشد. بنابراین بر خلاف گذشته که شکل ساده ی قوادی به صورت سنتی انجام می گرفت، در زمانه ی ما نمی توان عنصرمادی قوادی را در عبارت "به هم رساندن دو یا چند نفر" محدود نمود.

## ۲- عنصر معنوی:

مانند سایر حدود، جرم قوادی نیز برای تحقق، نیاز به قصد و هدف دارد. بنابراین اگر فردی، دو یا چند نفر را با هدفی غیر از زنا (مقالات مرتبط با زنا - سوالات مرتبط با زنا) یا لواط با هم مرتبط کند، آنگاه عنصر معنوی جرم قوادی شکل نگرفته است و در نتیجه جرم قوادی محقق نمی شود. از این تعریف می توان این گونه برداشت نمود که حتی اگر فردی دو یا چند نفر را به قصد انجام اعمال منافی عفت دیگر مثل مساحقه و یا تفخیز نیز جمع نموده باشد، باز هم نمی توان برای وی جرم قوادی را متصور شد. هر چند عمل وی از نظر شرعی مردود و مستحق مجازات است. زیرا به هر حال انجام یک منکر را تسهیل نموده است. اما برای کسی که واسطه عمل مساحقه و یا تفخیز قرار می گیرد چه مجازاتی می توان قائل شد؟ برای پاسخ به این سوال می توان به ماده ی ۱۲۶ این قانون که در مورد معاونت در جرم است مراجعه نمود. قانون گذار در این ماده اشعار می دارد که: "اشخاص زیر معاون جرم محسوب می شوند:

الف- هرکس، دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع، یا تحریک به ارتکاب جرم کند یا با دسیسه یا فریب یا سوءاستفاده از قدرت، موجب وقوع جرم گردد.

توجه اتهام لواط، مستلزم دلائل کافی است و صرف اظهارات شاکی و یا تناقض موجود در اظهارات متهم کافی برای انتساب اتهام نیست - مبحث زنا

ب- هرکس وسایل ارتکاب جرم را بسازد یا تهیه کند یا طریق ارتکاب جرم را به مرتکب ارائه دهد.

پ- هرکس وقوع جرم را تسهیل کند.

تبصره- برای تحقق معاونت در جرم، وحدت قصد و تقدم یا اقتران زمانی بین رفتار معاون و مرتکب جرم شرط است. چنانچه فاعل اصلی جرم، جرمی شدیدتر از آنچه مقصود معاون بوده است مرتکب شود، معاون به مجازات معاونت در جرم خفیفتر محکوم می شود. «

بنابراین طبق این ماده، افرادی که راه را برای عمل مساحقه و یا تفخیز و یا سایر اعمال منافی عفت مادون زنا هموار می کنند را می توان به عنوان معاون در جرم مورد تعقیب قرار داد (سلطانیان، ۱۳۸۶: ۱۷۵).

مجازات شرعی انواع زنا - راه های ثبوت زنا در دادگاه

اما نوع مجازات معاونت در این جرائم را می توان از ماده ی ۱۲۷ دریافت کرد. در این ماده آمده است: "در صورتی که در شرع یا قانون، مجازات دیگری برای معاون تعیین نشده باشد، مجازات وی به شرح زیر است:

الف- در جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات یا حبس دائم است، حبس تعزیری درجه دو یا سه

ب- در سرقت حدی و قطع عمدی عضو، حبس تعزیری درجه پنج یا شش

پ- در جرائمی که مجازات قانونی آنها شلاق حدی است سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش

ت- در جرائم موجب تعزیر یک تا دو درجه پایین‌تر از مجازات جرم ارتكابی

تبصره ۱- در مورد بند (ت) این ماده مجازات معاون از نوع مجازات قانونی جرم ارتكابی است مگر در مورد مصادره اموال، انفصال دائم و انتشار حکم محکومیت که مجازات معاون به ترتیب جزای نقدی درجه چهار، شش و هفت است.

تبصره ۲- در صورتی که به هر علت قصاص نفس یا عضو اجراء نشود، مجازات معاون بر اساس میزان تعزیر فاعل اصلی جرم، مطابق بند (ت) این ماده اعمال می‌شود.

با توجه به بند پ این ماده، چون تفخیز و مساحقه از جرائم حدی محسوب می‌شوند، بنابراین کسی که باعث تسهیل این جرائم می‌شود مثل فردی که واسطه‌ی این اعمال است، به مجازات شلاق تعزیری درجه شش محکوم خواهد شد.

حالت دیگری که عنصر معنوی جرم قوادی می‌تواند زایل شود زمانی است که فردی که دو یا چند نفر را به هم می‌رساند، قصد این را ندارد که این افراد مبادرت به عمل زنا و یا لواط بکنند. بلکه قصد وی از به هم رساندن این افراد، چیزی غیر از انجام اعمال منافی عفت است. مثل واسطه‌ای که دو نفر را با نیت ازدواج و تشکیل خانواده به هم می‌رساند ولی آن دو نفر اقدام به عمل زنا می‌کنند که در این صورت نمی‌توان فرد واسطه را به عنوان قواد مورد محاکمه قرار داد. زیرا قصد و هدف انجام زنا در وی وجود نداشته است.

### ۳- معاونت در جرم قوادی

آیا قوادی معاون جرایم منافی عفت مانند زنا یا لواط است؟ مطابق ماده ۴۳ ق.م.ا. کسی که با تحریک، ترغیب، تهدید، تطمیع، فریب و نیرنگ موجب وقوع جرم توسط فردی شود یا وسائل ارتکاب جرم را تهیه نماید یا با علم به هدف مجرم عامداً وقوع جرم را تسهیل نماید، به عنوان معاون شناخته شده و با توجه به شرایط و امکانات خطاکار، دفعات و مراتب جرم، تأدیب و تعزیر می‌شود. مگر اینکه در قانون یا شرع برای معاون در جرم خاصی، مجازات تعیین شده باشد. حال می‌شود قوادی را به عنوان معاون دانست؟ برخی بر این تصورند که «قوادی ماهیت معاون در جرم را دارد» ولی اگر کمی دقت شود متوجه می‌شویم که با توجه به شروط تحقق معاونت این ادعا بی‌دلیل است و جرمی مستقل تلقی می‌شود. بنابراین قوادی نه معاونت در جرم که خود جرمی مستقل و مطلق است و معاونت در آن به خصوص در شکل سازمانی و بانندی براساس مفاد مواد ۷۱۶ و ۴۳ ق.م.ا امکان پذیر است.

### ۳-۱-۳- حد محاربه

«محاربه و افساد فی الارض» جزو جرائم و گناهای است که دارای مجازات خاص و معین شرعی بوده و از این جهت، در حوزه حدود (مجازات‌هایی که کمیت و کیفیت آنها در شرع مشخص شده است) جای می‌گیرد.

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ درباره جرم انگاری افساد فی الارض در ماده ۲۸۶ چنین آورده است: «هرکس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اختلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به گونه‌ای که موجب اختلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد.» (میر محمد صادقی، ۱۳۹۲: ۲۵۶).

مدت هاست در فقه جزایی و قانون مجازات کشور در باب این مسئله که محاربه و افساد فی الارض چه رابطه ای دارند بین کارشناسان مربوطه تبادل نظر در جریان است.

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ درباره جرم انگاری و مجازات محاربه در ماده ۲۷۹ به بعد چنین آورده است: ماده ۲۷۹- محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها است، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد. هرگاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد و نیز کسی که به روی مردم سلاح بکشد، ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود، محارب محسوب نمی شود.

### ۳-۱-۴- حد شرب خمر

قانونگذار میزان مجازات حد را از متن صریح قرآن اقتباس کرده و مقدار آن مطابق مقداری است که در قرآن ذکر شده، مانند مجازات شرب خمر، که میزان شلاق آن ۸۰ تازیانه است که در هنگام رسیدگی به ارتکاب این جرم قاضی نمی تواند در رای خود میزان آن را از ۸۰ ضربه کم و یا زیاد کند.

سکر به معنی مستی و حالتی است که میان انسان و عقل او عارض می شود یا قرار می گیرد و یا حالتی است که از نوشیدن الکل اتیلیک و اقسام دیگر آن حاصل می شود.

سکر اسمی است برای هر چیزی که سکر آورد و مست کننده باشد.

سکر یعنی بند آوردن و بسته شدن مجرای آب و این تعبیر به جهت اینکه میان انسان و عقلش که آب حیات او است سد می گردد. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۳: ۳۳۲)

علامه طباطبایی، صاحب تفسیر المیزان عقیده دارد:

ظاهراً اصل در معنی کلمه زوال عقل به خاطر استعمال چیزی است که عقل را زائل می کند. بعضی از اندیشمندان اسلامی مسکر را عبارت از چیزی می دانند که موجب اختلال در نظم کلام و افشاء راز می گردد و به قولی: « چیزی است که موجب اختلال ادراک و عقل می شود و در اکثر مرتکبین به شرب خمر با شادی و توانایی کاذب همراه است. » (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۸۴)

هر آنچه اثر آن فقط اختلال باشد (مرقد) نام دارد که خواب آواراست و حواس انسانی را از کار می اندازد و گرنه مفسد عقل است. مانند بنگ، حشیش، صاحب جواهر الکلام می فرماید:

اما ما یغیر العقل لا غیر فهو المرقدان حصل معه تغیب الحواس الخمس و الا فهو المفسد العقل لما فی البنج و الشوکران « صاحب جواهر مرجع تشخیص مسکر و وجه فارق و ممیز را « مرقد » و مخدر از نظر « عرف » تعریف می کند. (نجفی، ۱۴۰۰: ۴۴۹)

با توجه به این که غفلت و بی خبری نوعی مستی است. لذا به آن (سکرت) گفته اند. از جمله در سوره حجر آه ۷۲ از قرآن کریم می فرماید: « لعمرک انهم لفی سکرتهم یعمهون » یعنی ای محمد، به جان تو سوگند که آنان (مردم دنیا) همیشه در غفلت خود سرگردان خواهند بود. (یا مست شهوات نفسانی و در گمراهی و حیرت خواهند بود.) (همان: ۴۴۹)

یا سکرت الموت در سوره ق آیه ۱۱۹ به معنی مرگ آمده که همان بیهوشی و شدت و سختی مرگ است که بر عقل غالب می شود و هوش از سر انسان می رود.

همچنین در آیه ۱۵ سوره حجر بیان می دارد:

«انما سكرت ابصار نابل نحن قوم مسحورون» یعنی جز این نیست که چشمان ما را محمد فرو بسته و در ما سحر و جادو بکار برده است.

ماده‌ی ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) جهات سقوط دعوای کیفری را احصاء نموده است. ماده‌ی ۱۰۰ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) نیز در جرایم قابل گذشت، قاضی را در صورت گذشت شاکی خصوصی مکلف به صدور قرار موقوفی تعقیب یا قرار موقوفی اجرا نمود و در تبصره‌های یک و ۲ نیز تعریفی از جرایم قابل گذشت و غیر قابل گذشت ارائه داد. تبصره‌ی ۳ این ماده نیز برای نخستین بار، جرایم حدی قابل گذشت شامل حد قذف و حد سرقت را برشمرد. با توجه به میزان مجازاتی که قانونگذار برای جرایم حدی مانند شرب خمر در نظر گرفته است، به موجب ماده ی ۱۷۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ معاونت در شرب خمر و مجازات آن را بیان نموده که این ماده مقرر می دارد هر کس به ساختن، تهیه، خرید و فروش، حمل و عرضه ی مشروبات الکلی مبادرت کند به ۶ ماه تا دو سال حبس محکوم می شود و یا در اثر ترغیب یا تطمیع و نیرنگ، وسایل استفاده از آن را فراهم نماید در حکم معاون در شرب خمر و مسکرات محسوب می شود و به تازیانه تا ۷۴ ضربه محکوم می شود.

### ۳-۲- معاونت در جرایم حدی

#### ۳-۲-۱- مفسد فی الارض

#### شرکا و معاونین جرم

معاون جرم باید قصد مجرمانه یا سوء نیت داشته باشد و عالماً و عامداً یکی از مصادیق معاونت در جرم را انجام بدهد.

مصادیق معاونت در جرم عبارتند از:

۱) معاونت از طریق تحریک، ترغیب، تهدید یا تطمیع:

الف) تحریک: توصیه و تشویق و فرمان به ارتکاب جرم. (آقابابایی، ۱۳۸۴: ۱۵۵)

ب) ترغیب: ایجاد میل و علاقه به ارتکاب جرم.

ج) تهدید: که شخص را وادار به ارتکاب عملی برخلاف میل باطنی خود می کند که در صورت امتناع، احتمال خطر جانی یا مالی یا آبرویی برای تهدید شونده وجود دارد.

د) تطمیع: که انگیزه ارتکاب جرم بیشتر جنبه مادی و مالی دارد. (آقابابایی، ۱۳۸۴: ۱۵۵)

ماده ۱۲۵- هر کس با شخص یا اشخاص دیگر در عملیات اجرائی جرمی مشارکت کند و جرم، مستند به رفتار همه آنها باشد خواه رفتار هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنان مساوی باشد خواه متفاوت، شریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم است. در مورد جرائم غیر عمدی نیز چنانچه جرم، مستند به تقصیر دو یا چند نفر باشد مقصران، شریک در جرم محسوب می شوند و مجازات هر یک از آنان، مجازات فاعل مستقل آن جرم است. (قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲)

تبصره- اعمال مجازات حدود، قصاص و دیات در مورد شرکت در جنایت با رعایت مواد کتابهای دوم، سوم و چهارم این قانون انجام می گیرد.

برای افرادی که معاونت در جرم دایر کردن مراکز فساد و فحشاء را داشته باشند به موجب بند «ب» ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی به یک تا ده سال حبس محکوم می شوند.

بنا بر گزارش ماده‌ی فوق، امکان دارد کسی بی آنکه در عملیات اجرایی جرمی شرکت داشته باشد، به طرق مختلف، دیگری یا دیگران را در ارتکاب عمل مجرمانه یاری کند. لذا چون کمک کردن و یاری رسانیدن دارای مصادیق متعددی است غالباً معاونت تعریف نمی‌شود، بلکه قانونگذاران با احصای موارد و نشان دادن مصادیق معاونت، آن را مشخص کرده‌اند، به عبارت دیگر، هرچند معاون خود غالباً در عملیات اجرایی شرکت ندارد که، در این صورت، عنوان مباشر یا شریک خواهد داشت، اما با مباشر و شرکا به انحاء مختلفی که در قانون پیش‌بینی شده در اجرای جرم مساعدت و همکاری می‌کند. به نظر می‌رسد با توجه به این تعریف «معاونت با مجرم از نظر اصطلاحی صحیح‌تر باشد لیکن چون غالباً «معاونت در جرم» استفاده می‌شود. به موجب این توجیه، اعمال مجرمانه‌ی معاون از عمل شریک یا مباشر جرم عاریه گرفته می‌شود. در نتیجه، اعمال مادی که معاونت را ایجاد می‌کنند مانند تسهیل وسیله یا تحریک و یا دسیسه و فریب خود عاری از بار مجرمیت خاص هستند. پس از ذکر این کلیات، اینک به تشریح مصادیق معاونت در جرم می‌پردازیم:

## ۱- معاونت از طریق تحریک، ترغیب، تهدید یا تطمیع

### اول - تحریک

تحریک به معنای به حرکت درآوردن و در اصطلاح حقوقی «توصیه و تشویق و فرمان ارتکاب جرم» تحریک نامیده می‌شود در قانون مجازات اسلامی معنی و مفهوم تحریک مشخص نشده و این مسئله را به صورت یک مسئله موضوعی و تشخیص آن را به عهده قاضی گذارده که با توجه به اصول و قواعد کلی و عرف جامعه آن را احراز نماید. (گلدوزیان، ۱۳۸۵: ۱۹۵)

یکی از حقوقدانان معتقد است که تحریک به ارتکاب جرم و معاونت تفاوت اساسی وجود دارد این محقق در توجیه عقیده خود می‌گوید:

اولاً- محرک شخصاً میل به ارتکاب جرم موردنظر خود دارد ولی به علل زیادی از جمله ترس از مجازات در رسیدن به مقصود خود از وجود دیگران استفاده می‌کند. در صورتی که معاون علاقه‌ی زیادی به وقوع جرم ندارد و اگر چنین علاقه‌ای در او به وجود آمده باشد به لحاظ احترام یا علائق دیگری است که بین او و مباشر جرم وجود دارد. (گلدوزیان، ۱۳۸۵: ۱۹۶)

ثانیاً- معاون با تهیه اسباب و ادوات یا مساعدت و ارشاد و راهنمایی در ارتکاب جرم به مباشر کمک می‌کند. اگر مباشر از ارتکاب جرم منصرف شود، عمل معاون به جایی نرسیده و لغو و باطل می‌گردد و جرمی واقع نخواهد شد. اما محرک با عمل خود، مباشری ایجاد می‌کند که در اغلب موارد اگر محرک نیز از قصد خود منصرف گردد، تحریک شده دست از اقدام به ارتکاب جرم بر نمی‌دارد.

ثالثاً- عمل معاون از هر جهت جنبه‌ی فرعی و تبعی دارد. ولی غالباً عمل محرک سبب و علت اصلی وقوع جرم است و فکر ایجاد جرم از محرک سرچشمه گرفته و به اواخر می‌شود. در این میان اگر عمل تحریک حذف و قطع شود دیگر چیزی که تحریک شده را به ارتکاب جرم سوق دهد، وجود نخواهد داشت. به علاوه خطر اجتماعی عمل محرک به مراتب شدیدتر و هولناک‌تر از معاون است. (گلدوزیان، ۱۳۸۵: ۱۹۶)

تحریک اشخاص به دایرکردن مراکز فساد و فحشاء خود حکم معاونت در جرم را دارد زیرا موجب به فعل درآمدن قصد و نیت مرتکب اصلی این جرم شده است.

## ۲- ترغیب:

ترغیب به معنای ایجاد رغبت و تمایل دیگری است که در حقیقت یکی از نمونه‌های تحریک می‌باشد اما به صورت خاص در این جا بیان شده است. نحوه ترغیب نیز همچون نحوه تحریک، موضوعیت ندارد بلکه به هر شکلی ممکن است صورت گیرد. (اردبیلی، ۱۳۸۰: ۵۸)

نهایت آنکه عنوان معاونت در جرم از طریق ترغیب زمانی مصداق پیدا می‌کند که وسائل ترغیب فقط موجب ظهور حس کینه و حسادت و عدوات در مرتکب جرم گردد و همین خصوصیات منشأ و مبنای ارتکاب جرم شود، با توجه به اینکه تشویق و ترغیب علت مستقیم ارتکاب جرم معینی نبوده، ترغیب کننده را نمی‌توان به عنوان معاون جرم مستوجب کیفر دانست. بنابراین؛ در مورد جرم دایر کردن مراکز فساد و فحشاء ترغیب زمانی معاونت در جرم محسوب می‌شود که مرتکب اصلی دست به عمل دایر کردن بزند. اگر قصد و نیت مرتکب اصلی این جرم به فعلیت تبدیل نشود و هیچ جرمی صورت نگیرد ترغیب معاونت در جرم محسوب نمی‌شود.

## ۳- تهدید

تهدید به معنای ترساندن و بیم دادن است و تحریکی است که می‌تواند از طرق مختلف فاعل جرم را به ارتکاب وادار سازد. تهدید ممکن است بر جان، ناموس، مال یا آبروی افراد باشد. (شامبیاتی، ۱۳۷۸: ۲۵۵)

میان تهدید و حالت روانی مباشر که وی را وادار به ارتکاب جرم می‌کند باید رابطه سببیت وجود داشته باشد اما نباید به حد اجبار مادی برسد بلکه صرف عدم رضایت کافی است.

در خصوص جرم دایر کردن مراکز فساد و فحشاء مباشر می‌تواند مرتکب اصلی و یا فردی که می‌خواهد مرتکب اصلی این جرم شود را با طرق مختلف تهدید کند که این تهدید به دایر کردن این مراکز و جرم ختم شود. بنابراین؛ فردی که مرتکب اصلی را به تهدید به این جرم کرده است معاون در جرم محسوب می‌شود.

## ۴- تطمیع

تطمیع به معنای به طمع انداختن است که معمولاً در قالب دادن مال یا وعده یا امتیازات مالی به مباشر، وی را وادار به ارتکاب جرم می‌کند. (افراسیابی، ۱۳۷۷: ۸۶)

در مورد جرم دایر کردن مراکز فساد و فحشاء ممکن است به مرتکب اصلی وعده های مادی و یا امتیازات مالی فوق العاده داده شود و این امر باعث شود فرد یا همان مرتکب اصلی بیشتر به سوی این جرم ترغیب پیدا کند. که در این مرحله نیز کسی که مرتکب اصلی این جرم را تطمیع کرده است. معاونت در جرم محسوب می‌شود.

## ۳-۲-۲- سرقت

از منظر علمای حقوق و در مبحث حقوق جزای عمومی برای تحقق هر جرم سه رکن لازم است. این سه رکن عبارتند از: ۱- رکن قانونی ۲- رکن مادی ۳- رکن معنوی.

مواد ۲۶۷ تا ۲۷۸ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و تبصره های آنها رکن قانونی جرم سرقت را تشکیل می‌دهند. در این مواد، پس از ارائه ی تعریفی از جرم سرقت، قانون گذار به بیان شرایط و مجازات های این جرم پرداخته است.

ماده ی ۲۶۷ از قانون مجازات اسلامی، در تعریف سرقت بیان می دارد: سرقت عبارت از ربودن مال متعلق به غیر است. بدین ترتیب، به نظر می رسد قانون گذار، ضمن حذف قید «به طور پنهانی» از تعریف قانون سابق، گستره ی تعریف جرم سرقت را افزایش داده است. ماده ی ۲۶۸ نیز ضمن برشمردن ۱۴ شرط، تحقق جرم سرقت حدی را مشروط به تحقق همه ی این شروط می داند. به دیگر بیان، در صورت عدم تحقق هریک از این شروط چهارده گانه، سرقت حدی تحقق نیافته و جرم واقع شده، سرقت تعزیری است. ماده ۲۸۱ قانون مجازات اسلامی، راهزنان و سارقان و قاچاقچیان مسلح را از موارد شمول صفت سارق جدا نموده و این جرائم را مصداق محاربه قرار داده است. (بخشی زاده، ۱۳۹۲، ص ۱۰۲)

### ۳-۲-۱- رکن مادی جرم سرقت

#### ۱- عنصر ربودن

ربودن در لغت به معنای «دزدی، چیزی را با چابکی و تردستی از جایی بلند کردن و در بردن» آمده است. (عمید، ۱۳۷۴: ۱۸۷)

#### ۲- پنهانی بودن ربایش

پنهانی در لغت به معنای «ناپیدا، پوشیده، مخفی و ضد آشکار است». به رغم حذف قید به طور پنهانی از تعریف جرم سرقت در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، این صفت از تعریف سرقت قابل حذف به نظر نمی رسد و شاید حذف آن در قانون جدید را بتوان به بدهت این امر نسبت داد. از ظاهر کلام فقهای مذاهب اسلامی به نظر می رسد که پنهانی بودن، ارتکاب عمل (سرقت) بدون آگاهی و رضایت صاحب مال باشد.

به نظر می رسد منظور از پنهانی بودن اقدام به سرقت با شیوه ی مخفیانه و پنهان کاری است هرچند که به طور اتفافی صاحب مال یا دیگران ناظر بر ربودن او باشند و شهادت دو مرد عادل که یکی از ادله های اثباتی جرم مزبور به عنوان یک قرینه می باشد موید این نظر است.

برای این که ربودن تام و کامل باشد باید دارای سه شرط باشد:

۱- سارق شی مسروقه را از حرزی که شایستگی حفظ آن را داشته باشد خارج کند.

۲- سارق شی مسروقه را از حیات صاحب مال خارج سازد.

۳- شی مسروقه در حیات سارق داخل گردد.

در صورتی که یکی از این شروط موجود نباشد، ربودن کامل نخواهد بود و عقوبت سارق تعزیر است نه قطع.

ربودن پنهانی به دو صورت انجام می شود:

یا این که خود شخص معاون اقدام به خارج کردن کالا از حرز می کند و یا به واسطه سببی این عمل را انجام می دهد.

(اردبیلی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۲)

### ۳- معاونت سارق در ربایش

اگر سارق اقدام به بیرون انداختن مال از حرز نماید یا از ملکیت صاحب آن خارج شده و به مالکیت سارق در می آید یا خیر؟ احناف معتقدند اگرچه کالا از حیات صاحب مال و از حرز خارج شده ولی به ملکیت سارق وارد نشده است و اگر چه حکماً در ملکیت او نیز وارد شده ولی ربودن تام و کامل نمی شود تا زمانی که سارق کالا را بردارد. (کاشانی، ۱۹۷۴م: ۶۵)

ب- عدم مباشرت سارق در ربایش

### ۶- دسیسه و سوءاستفاده از قدرت

دسیسه در لغت به معنای مکر و عداوت پنهانی و توطئه و فتنه انگیزی معنا شده است و فریب نیز به معنای خدعه و مکر و حيله بیان شده است. در این موارد لازم نیست که در مباشر جرم دسیسه و فریب موثر باشد همین که جرم واقع شود اکتفا می کند.

از شرایط معاونت آن است که جرم اصلی واقع شود؛ در اینجا به صراحت ماده ی مرقوم، دسیسه و فریب و نیرنگ، در صورتی به عنوان معاونت قابل مجازات می گردد که (موجب وقوع جرم شود)، اعم از آنکه مستقیماً در مباشر جرم موثر واقع شود یا خیر؛ لذا، چنانچه مثلاً شخصی که می داند عده ای در صدد سرقت منزل حسن هستند به منزل او برود و با او گرم صحبت شود و یا او را به خارج از منزل دعوت نماید تا این عمل به سارقین فرصت ارتکاب سرقت را بدهد، به عنوان معاون قابل مجازات خواهد بود. ولو آنکه هیچ گونه اتفاق و ارتباطی هم میان آن ها وجود نداشته باشد. (سبزواری نژاد، ۱۳۹۳ص ۳۷۶)

اگر کسی از طریق دسیسه یا فریب دیگری موجب وقوع جرم را فراهم کند، چنانچه سایر شرایطی را که برای معاونت گفته شد دارا باشد به عنوان معاون جرم تحت تعقیب و مجازات قرار می گیرد. بکار بردن حقه و فریب و فراهم ساختن زمینه ارتکابی جرم از قبیل دسیسه چینی و فراهم کردن زمینه برای ارتکاب جرم، مثلاً کسی خانه اش را بنحوی آماده، برای شرب خمر می کند و به نوعی حيله ای بکار برد که مهمانی که به خانه دعوت شده است مرتکب شرب خمر شود و اگر شخص شروع به نوشیدن کند و متوجه شود که در خوردن نوشیدنی الکلی است ولی به نوشیدن ادامه دهد در اینصورت کسی که نوشیدنی را به او تعارف کرده معاون جرم است و شخصی که بعد از آگاه شدن به نوشیدنی ادامه داده به عنوان مباشر تحت تعقیب و مجازات قرار می گیرد.

در مجموع مقصود قانون گذار از دسیسه یا فریب مجموعه اقدامات خدعه آمیزی است که مقدمه ارتکاب جرم به شمار می رود و ممکن است در مجنی علیه و یا در مباشر موثر واقع شود. نکته ای که باید مورد توجه قرار گیرد این است که لازم نیست مکر و حيله مستقیماً در مباشر جرم موثر واقع شود تا قابل مجازات شود بلکه شرط دسیسه یا فریب موجب وقوع جرم شده باشد.

مثلاً: اگر شخصی می داند که شخص (الف) در صدد قتل شخص (ب) است و نزد او رفته و وی را به بهانه قدم زدن و گردش از منزل بیرون آورده و این عمل به شخص (الف) فرصت ارتکاب قتل را بدهد، به عنوان معاون قابل مجازات خواهد بود، هرچند که هیچ گونه ارتباطی هم میان او و شخص (الف) برقرار نشده باشد و همین طور است اگر کسی که تاثیر پذیری او در قبیل انجام عملیات هیپنوتیزم زیاد است، از طریق دسیسه قبلی و صحنه سازی با هیپنوتیزم کننده، خود را بوسیله و در معرض ارتکاب جرم علیه دیگری قرار داده و بدین نحو مرتکب جرم شود، به عنوان معاون جرم تحت تعقیب قرار خواهد گرفت. (اردبیلی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۷)



سوء استفاده از قدرت که در قوانین قبل به آن اشاره نشده بود و بیان نگردیده بود از ابداعات این قانون می باشد بدین توضیح که اگر کسی از قدرت خود سوء استفاده کند و باعث بروز جرم شود قابل مجازات به عنوان معاون جرم می باشد. در خصوص قدرت به نظر اعم از قدرت حکومتی و یا هر قدرتی می باشد که بر فرد استیلا دارد و این امر می تواند در شرکت های خصوصی هم باشد که کارمندا تحت مدیریت مدیر شرکت هستند و ممکن است آن مدیر از قدرت خود سوء استفاده کند و باعث بروز جرم شود و همچنین شامل قوای حکومتی نیز می شود.

در واقع سوء استفاده از قدرت به معنی بهره گیری ناروا از مقام و موقعیت اجتماعی است؛ این موقعیت ممکن است بواسطه شغل و سمت دولتی فراهم شود و یا محصول روابط خاص اجتماعی مانند رابطه پدر و فرزند باشد؛ و سوء استفاده از قدرت بیش از آنکه رفتار خاص باشد نفوذ معنوی بر دیگری است؛ کسی که به هر دلیل فرضاً آسیب پذیری یا هواخواهی یا ارادتمندی و یا حس وظیفه شناسی خود را به تبعیت از دیگری و اجرای خواسته های او ملتزم می بیند؛ نمونه سوء استفاده از قدرت به عنوان جرم خاص ماده ۵۷۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ است که به موجب آن مامورین دولتی با سوء استفاده از مقام خود از اجرای قانون یا اجرای حکم مقام قضایی جلوگیری می کند؛ مثلاً رئیس زندان، از ورود خانواده زندانی که برای ملاقات با زندانی آمده است ممانعت می کند. (اردبیلی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۵)

برابر ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ هر کس با سوء استفاده از قدرت موجب وقوع جرم شود تحت عنوان معاون در جرم قابل تعقیب است؛ که این مصداق از معاونت در جرم از نوآوری قانون جدید است و در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ وجود نداشت و به این قانون اضافه شده است. سوء استفاده موضوع این قانون نباید در اکراه باشد و نیز نباید مشمول قواعد آمر و مامور قرار گیرد.

## ۷- ساختن یا تهیه وسایل ارائه طریق و تسهیل وقوع جرم

ساختن وسیله به معنی درست کردن یا بوجود آوردن از روی طرح و نقشه است. از این رو، معاون کسی است که با آگاهی از کاربرد وسیله ای که برای ارتکاب جرم ساخته و پرداخته است به مباشر کمک می کند.

ساختن کلید و هر نوع ابزاری برای ارتکاب جرم به استناد ماده ۶۶۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) جرم مستقلی به شمار می آید و ممکن است از آن استفاده هم نشود. برای آنکه ساختن وسیله ارتکاب جرم معاونت تلقی شود وحدت قصد بین سازنده و استفاده کننده (مباشر) احتمالی شرط است.

وسيله ارتكاب جرم، آنچنان وسیله ای است که مباشر از آن برای ارتکاب جرم استفاده کند. بنا براین در هر جرمی باید ملاحظه نمود که به اقتضای آنچه وسیله ای که مورد استفاده قرار می گیرد. (گلدوزیان، ۱۳۹۲، ص ۳۶)

در این ماده نه تنها وسایل ارتکاب جرم بلکه ساختن آن نیز از مصادیق معاونت جرم بیان گردیده است. به نظر می رسد تهیه به معنای آماده نمودن کاری یا چیزی، در بر دارنده ساخت آن خواهد شد و ضرورتی به ذکر کلمه ساخت نمی باشد. شروطی در ارتکاب جرم ضرورت دارد آن است که:

اولا - باید تهیه کننده آگاه به آن باشد که وسیله تهیه شده توسط مباشر در ارتکاب جرم مورد استفاده قرار بگیرد (شرط وحدت قصد).

تهیه وسایل ارتکاب جرم شایع ترین عنصر مادی معاونت در جرم است. در برخی از موارد تهیه وسایل ارتکاب جرم، جرم مستقلی است. تهیه وسایل ارتکاب جرم در بند (ب) ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ آمده است. وسایل ارتکاب

جرم یعنی هر گونه وسیله اعم از جا و مکان که شامل مال منقول و غیر منقول می شود. مثلا کسی برای استعمال مواد مخدر جا و مکانی را برای دیگران تامین کند یا کسی اسلحه ای برای قتل و آدم کشی در اختیار دیگری قرار دهد یا ماده سمی را در دسترس فرد دیگر بگذارد این موارد معاونت در جرم تلقی می شود.

در مورد تهیه مکان برای ارتکاب جرم می توان به ماده ۵۸۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات اشاره کرد: (هر کس از مقامات یا مامورین دولتی یا نیروهای مسلح یا غیر آن بدون حکمی از مقام صلاحیت دار در غیر موارد که در قانون جلب یا توقیف اشخاص را تجویز نموده شخص را توقیف یا حبس کند یا عنفا در محلی مخفی نماید به یک تا سه سال حبس یا جزای نقدی از شش تا هیجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.)

گاهی تهیه وسایل جرم برای ارتکاب جرم خاص و می توان در این مورد به ماده ۵۸۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ بخش تعزیرات اشاره کرد. (میر محمد صادقی، ۱۳۹۲، ص ۴۲)

(کسی که با علم و اطلاع برای ارتکاب جرم مذکور در ماده فوق مکانی تهیه کرده و بدین طریق معاونت با مرتکب نموده باشد به مجازات حبس از سه تا یکسال و مجازات نقدی از یک میلیون ریال تا شش میلیون ریال محکوم خواهد شد.)  
تهیه وسایل ارتکاب جرم یعنی اینکه شخص، ابزار لازم برای ارتکاب جرم، مثلا سلاح برای قتل یا کلید برای سرقت یا خانه برای دایر کردن مرکز فساد و فحشاء را در اختیار دیگری قرار دهد.

در رابطه با ساختن و تهیه وسیله برای ارتکاب جرم، ماده ۶۶۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ بخش تعزیرات مقرر می دارد: (هر کس عالما و عامدا برای ارتکاب جرمی اقدام به ساخت کلید یا تغییر آن نماید یا هر نوع وسیله برای ارتکاب جرم بسازد یا تهیه کند به حبس از سه ماه تا یک سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.)

در حالیکه به موجب بند (ب) ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ساختن، تهیه وسیله برای ارتکاب جرم، معاونت در جرم تلقی می شود. حال سوال این است که ماده ۶۶۴ مزبور به موجب ماده ۱۲۶ موخر التصویب نسخ ضمنی شده است یا خیر؟

به نظر می رسد که پاسخ منفی است و هر یک از مواد قانون فوق قلمروی اجرایی خود را دارد. آنچه در ماده ۶۶۴ آمده صرف ساختن و تهیه وسیله برای ارتکاب جرم است، صرف نظر از آنکه در اختیار کسی قرار بگیرد و با آن جرمی اتفاق بیفتد یا نه، در حالی که صدق عنوان معاونت در جرم، ضروری است که سازنده و تهیه کننده وسیله مجرمانه با علم و اطلاع از قصد مجرمانه ی دیگری، آن را در اختیار وی قرار داده و با آن جرمی اتفاق بیفتد.

یکی از مصادیق معاونت در جرم مربوط به زمان قبل از وقوع جرم این است که معاون جرم طریق و روش ارتکاب جرم را با علم به قصد ارتکاب جرم ارائه دهد (قسمت اخیر بند (ب) ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ولی دادن اطلاعات ساده و مبهم برای تحقق ارائه طریق در ارتکاب جرم کافی نیست. (سبزواری نژاد، ۱۳۹۳، ص ۳۳۷)

منظور از ارائه طریق ارتکاب جرم آن است که فردی اقدام به آموختن راه و روش ارتکاب جرم به مباشر نماید. آموزش راه و روش ارتکاب جرم ممکن است بصورت تئوری باشد یا عملی. سوالی که در این مورد مطرح است که اگر فردی بصورت کلی اطلاعات را در مورد چگونگی سرقت منزل ارائه می دهد آیا او را می توان معاون هر جرم سرقتی که مباشر مرتکب می گردد دانست یا خیر؟

به نظر می رسد که با توجه به اینکه وحدت قصد معاون و مباشر در جرمی مشخص باید وجود داشته باشد ارائه چنین اطلاعاتی از سوی وی را نتوان معاونت در جرم تلقی نمود.

ارائه راه و روش ارتکاب جرم اعم از مستقیم و غیر مستقیم است. بنا بر این، وجود رابطه مستقیم و بدون واسطه میان کسی که ارائه طریق می کند با مباشر جرم ضروری نیست البته باید توجه داشت که ارائه طریق باید عامدا و با آگاهی از ماهیت عمل مجرمانه صورت گیرد و دادن اطلاعات مبهم و غیر قابل فهم برای تحقق ارائه طریق، کافی نیست. پس اگر کسی با علم به اینکه شخص (الف) قصد ارتکاب جرمی را دارد، طریق ارتکاب آن را به شخص (ب) ارائه دهد، مثلا به او راه ورود و خروج موسسه ای را نشان دهد و یا اطلاعات لازم در مورد ساعت حضور و یا غیبت صاحب خانه را به منظور ارتکاب سرقت ارائه نماید تا برای شخص الف -بازگو کند، عمل فرد اطلاع دهنده معاونت در جرم سرقت است. مسئله معاونت از طریق ارائه راه و روش، امروزه از اهمیت بسیاری برخوردار است، چرا که طریق ارتکاب جرایم افزایش یافته و ممکن است که افراد به انحای مختلف طریق ارتکاب جرایم را به یکدیگر نشان دهند. (ساک، ۱۳۹۲، ص ۶۱)

### ۳-۲-۲- عنصر معنوی (روانی) معاونت در جرم سرقت

عموما علم، عمد و اراده عناصر روانی یک جرم را شکل داده اند و در معاونت نیز همین مقولات باید صورت پیدا کنند تا معاونت محقق شود. یعنی معاون باید با قصد مجرمانه مرتکب اصلی را در ارتکاب جرم یاری بخشد، در واقع معاون باید با علم و آگاهی و خواستن انجام جرم این کار را انجام دهد. نکته اینکه معاون تنها نسبت به جرایمی که قصد و اراده تحقق آن جرم که در ذهن داشته مواخذه می گردد و خارج از این محدوده مسئولیتی علیه وی متوجه نیست. مثلا اگر شخص الف بخواهد که در سرقت به (ب) کمک کند ولی ب علاوه بر جرم سرقت مرتکب قتل نیز شود که در این صورت شخص (الف) تنها نسبت به سرقت مواخذه می شود و هیچ مسئولیتی در قبال قتل ندارد ولی در جایی که معاون بدون تعیین جرم خاص اسلحه در اختیار قرار می دهد قرینه‌ای بر این است که برایش تفاوتی ندارد که چه جرمی اتفاق بیفتد؛ لذا مسئولیت وی در قبال تمامی جرایم استوار می شود. بالاخره در جایی که نتیجه حاصله خفیف تر از جرم مد نظر معاون است به طریق اولی مجازات معاون برای ارتکاب آن جرم بلا اشکال می گردد. (اردبیلی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۹)

در جرایم غیر عمدی اختلاف نظر شده است که آیا معاون در این دسته از جرایم مستحق مجازات است یا نه؟ و آیا اصلا جرمی علیه وی متوجه است یا خیر؟

پاسخ چنین است: (طبق مفاد ماده ی ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ موارد معاونت به صورت عمدی یعنی با سوء نیت مطرح شده و با توجه به اینکه در شرایط تحقق معاونت، علم و اطلاع تهیه کننده وسایل ارتکاب جرم و علم و عمد تسهیل کننده وقوع جرم و وحدت قصد بین معاون و مباشر جرم منظور گردید، معلوم می شود که در جرایم غیر عمدی، معاونت مفهومی ندارد.

برای تحقق معاونت در جرم وجود وحدت قصد شرط است. مانند اینکه شخصی که شغل او فروش اسلحه شکاری است، اسلحه ای به شخص فروخته و شخص نامبرده اسلحه را در اختیار مباشر جرم قرار داده و مباشر مرتکب قتل عمدی می گردد؛ در اینجا معاونت در قتل عمدی، مفهوم و مصداقی ندارد. (نوربها، ۱۳۸۷، ص ۲۱۲)

### ۳-۳-معاونت در جرم اشاعه فساد و فحشاء

#### ۳-۳-۱-عمدی بودن جرم

عمدی بودن این جرم این مصادیق نیز با عنوان کلی تشویق و تسهیل در فحشا یا بند «ب» ماده ۶۳۹ ق.م.ا. منطبق گردیده و تعیین مجازات می شود، ولی نظر به اهمیت برخی موارد، مانند تسهیل در خروج زنان از کشور برای فحشا به ازای مبالغ هنگفت، مجازات مجرم تنها با یک ماده عام و کلی مناسب به نظر نمی رسد و قطعاً این عمل مخالف شرع و مخالف قاعده نفی سبیل می باشد و این نظر که از مصادیق افساد فی الارض و محاربه شمرده شود، که به بحث محاربه طبق ماده ۱۸۳ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۰؛ به آن پرداخته شده است.

اما در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ درباره جرم انگاری افساد فی الارض در ماده ۲۸۶ چنین آورده است :

«هرکس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به گونه ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می گردد.» (شامبیاتی، ۱۳۸۰: ۲۳۱)

مدت هاست در فقه جزایی و قانون مجازات کشور در باب این مسئله که محاربه و افساد فی الارض چه رابطه ای دارند بین کارشناسان مربوطه تبادل نظر در جریان است. (شامبیاتی، ۱۳۸۰: ۲۳۱)

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ درباره جرم انگاری و مجازات محاربه در ماده ۲۷۹ به بعد چنین آورده است :

ماده ۲۷۹-محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارعاب آنها است، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد. هرگاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد و نیز کسی که به روی مردم سلاح بکشد، ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود، محارب محسوب نمی شود. (قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲)

باید توجه داشت که مردان مشتری و جزء اصلی ایجاد مراکز فساد و فحشاء شمرده می شوند و حکم افساد نسبت به این افراد هم قابل اجرا است. چون با درخواست این گروه، فساد گسترش پیدا می کند. بنابراین از ملاک و شاخصه های فوق معلوم می شود؛ چنان که مسائل مستحدثه اجتماعی و حکومتی که در هر زمانی در جامعه اسلامی ممکن است به وجود آید، باید توسط حاکم اسلامی طبق فقه شیعه تصمیم گیری نهایی شود. زیرا احکامی که از جانب حاکم شرع و جامعه مسلمین صادر شود از روی ملاکات شرعی و عقلایی است. به همین جهت در احادیث بیان شده است که در حوادث واقعه و مسائل مستحدثه به فقیه عادل و عاری از هوس های نفسانی مراجعه نمایید، تا برای صدور حکم شرعی در مورد این گونه مسائل و اجرای آن قابلیت تام داشته باشد. بنابراین تنها راه حل عاقلانه در جامعه ای اسلامی رجوع به حکم ولی امر عادل مسلمین است تا وی با توجه به شرایط زمان و مکان و ضرورت های ایجاد شده در موارد خاص احکام مقتضی را صادر نماید.

### ۲-۳-۳- مقید بودن جرم

چنانچه تحقق جرم مقید به ایجاد نتیجه ای باشد مانند ربایش مال در سرقت یا عمل کشتن در قتل، جرم را مقید می نامند و اگر صرف انجام عمل مجرمانه صرف نظر از ایجاد نتیجه جرم باشد آن را مطلق گویند. (نوربها، ۱۳۸۵: ۱۲۴)

تحقق جرم دایر کردن مراکز فساد و فحشاء مقید به نتیجه ی این جرم یعنی (دایر کردن مراکز فساد و فحشاء) بوده است بنابراین برای افراد مقید این جرم قانون طبق ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی که رکن قانونی این جرم را تشکیل می دهد می گوید:

« افراد ذیل به حبس از یک تا ده سال محکوم می شوند و در مورد بند الف علاوه بر مجازات مقرر، محل مربوطه به طور موقت با نظر دادگاه بسته خواهد شد:

الف - کسی که مرکز فساد و یا فحشاء را دایر یا اداره کند.

ب- کسی که مردم را به فساد یا فحشاء تشویق نموده یا موجبات آن را فراهم نماید. »

### ۳-۳-۳- مستمر بودن جرم

«دایر کردن»، «اداره کردن» و «تشویق مردم» هر سه عناوینی از «جرم مستمر» می باشند و هیچ یک از جرائم فوق، طبق ضوابط حقوق جزای عمومی با یک بار تحقق نمی یابد، یعنی استفاده برای یک بار از یک محل موجب تحقق عنوان مرکز فساد، یا دایر کردن آن نخواهد بود و حداقل دو بار باید چنین عملی تکرار شود. (زراعت، ۱۳۸۱: ۲۹۶)

ماده ۱۳۳ قانون مجازات اسلامی که در استعلام به آن اشاره شده، در خصوص تعدد جرایم و مستمر بودن موجب حد و قصاص است و ماده ۱۳۴ قانون مذکور ناظر به تعدد جرایم تعزیری است و طبق قسمت اول همین ماده چنانچه جرایم موجب تعزیر بیش از سه جرم نباشد، دادگاه باید برای هر یک از جرایم تعزیری، حداکثر مجازات را مورد حکم قرار دهد و موجبی برای تعیین مجازات بیشتر از حداکثر نیست هرچند که سه جرم تعزیری با جرم موجب حد همراه باشد بدیهی است که مجازات جرم موجب حد نیز جداگانه در همان حکم تعیین و وفق مقررات ماده ۱۳۵ قانون مذکور اجراء خواهد شد. (قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲)

جرم دایر کردن مرکز فساد و فحشاء، بنا بر ماده (۶۳۹) قانون مجازات اسلامی، جرمی به عادت و مستمر است که نیاز به تکرار فعل دارد به گونه ای که عنوان اداره مرکز و فساد و فحشاء صادق باشد. بنابراین با تکرار اداره محل در مدت زمانی خاص تکرار جرم محقق نخواهد شد.

جرم دایر کردن مراکز فساد و فحشاء جرمی مستمر است زیرا شخص یا اشخاصی که مرتکب این جرم می شوند این مراکز را برای کسب درآمد مادی راه اندازی می کنند. بنابراین تعدد و استمرار اینگونه مراکز آنان را به اهداف بالاتری از جمله کسب درآمد بیشتری سوق می دهد. به همین دلیل اینگونه جرایم از جرایم مستمر محسوب می شوند.

بنابراین، جرم مستمر جرمی نیست که فقط عنصر مادی آن در زمان نسبتاً طولانی استمرار داشته باشد بلکه عنصر معنوی نیز باید همزمان با استمرار عنصر مادی، استمرار یابد، یعنی مرتکب با علم و اراده، به عملیات خود ادامه می دهد.

## ۴-۳-۳- غیر قابل گذشت بودن جرم

ویژگی و خصوصیت دیگر جرم دایر کردن مراکز فساد و فحشاء غیرقابل گذشت بودن یا جنبه عمومی بودن جرم می باشد. به عبارت دیگر جرم ممکن است دو جنبه داشته باشد؛ جنبه عمومی از آن جهت که محل نظم و حقوق عمومی است و جنبه خصوصی از آن جهت که راجع به تضرر شخص یا اشخاص یا هیئت معینی است. (آخوندی، ۱۳۸۵: ۶۵)

بدین منظور جرایم مانع را غیرقابل گذشت می نامیم که بدلیل عدم لطمه و آسیب به اشخاص فاقد جنبه خصوصی می باشد و دادستان بنا به ملاحظه ی جنبه عمومی جرم و اصل قانونی بودن تعقیب دادرسی یا هر نهاد و ارگانی که از سوی قانونگذار به جانشینی آن عمل می کند باید تعقیب جرایم و اقامه دعوی علیه متهم را به نمایندگی از سوی جامعه برعهده گیرد.

به عبارت دیگر جرایم مانع مانند تکدی، ولگردی و حمل اسلحه بدلیل عدم خسارت و لطمه مستقیم به افراد فاقد جنبه خصوصی هستند و دادستان می تواند آنها را صرفاً از حیث جنبه عمومی جرم مورد تعقیب قرار دهد. قانونگذار در ماده ۴ قانون آئین دادرسی کیفری ویژگی جرایمی را ذکر می کند و جرایم را از حیث قابل گذشت بودن و رسیدگی به آنها دسته بندی کرده است. جرایمی هستند که اراده شاکی در شروع به تعقیب آن نقشی مؤثر ندارد. و لذا گذشت وی تأثیری در تعقیب و روند رسیدگی و مجازات مجرم ندارد. (گرچه موجب تخفیف مجازات می شود). اصل بر غیرقابل گذشت بودن جرایم است. وقتی شک حاصل شد که آیا فلان جرم قابل گذشت است یا غیر قابل گذشت، حسب اصل، جرم را غیرقابل گذشت تلقی می کنیم. این جرایم جنبه عمومی آنها بر جنبه خصوصی غلبه دارد. و ضرر آنها مستقیماً علیه جامعه و حکومت است. مثل؛ محاربه، جاسوسی و... (آخوندی، ۱۳۸۵: ۶۵)

جرم دایر کردن مراکز فساد و فحشاء جزء جرایم مانع است بنابراین غیر قابل گذشت و طبق ماده (۴۷) قانون مجازات اسلامی، (بند پ)، قابل تعلیق و تعویق نخواهد بود می باشد.

ماده ۴۷ مصوب ۱۳۹۲- صدور حکم و اجرای مجازات در مورد جرائم زیر و شروع به آنها قابل تعویق و تعلیق نیست:

پ- قدرت نمایی و ایجاد مزاحمت با چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر، جرائم علیه عفت عمومی، تشکیل یا اداره مراکز فساد و فحشا. چون مجازات این جرایم درجه پنج به بالا می باشد لذا نیازی نبود که قانون گذار این موارد را صراحتاً ممنوع اعلام نماید. (سبزواری نژاد، ۱۳۹۱: ۲۳۳)

در این ماده منظور از جرم سازمان یافته عبارتست از فعالیت های غیر قانونی و هماهنگی گروهی منسجم از اشخاص که با تباری همدیگر و برای تحصیل منافع مادی و قدرت، به ارتکاب مستمر مجرمانه شدیدی می پردازند و برای رسیدن به هدف از هر نوع ابزار مجرمانه نیز استفاده می کنند. (بخشی زاده، ۱۳۹۲: ۲۰۶)

دایر کردن مراکز فساد و فحشاء جزء جرایم سازمان یافته است زیرا به صورت گروهی انجام می گیرند. بنابراین چونکه جزء جرایم درجه ۴ به بالا می باشند شامل تعلیق و تعویق صدور حکم نمی شوند.

تعویق صدور حکم، پس از احراز مجرمیت متهم صدور حکم محکومیت را به تأخیر می اندازد. اما تعلیق اجرای مجازات، پس از صدور حکم، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات معلق می شود.

تعویق حکم در جرائم تعزیری درجه ۶ تا ۸ قابل اعمال است اما تعلیق اجرای مجازات در جرائم تعزیری درجه ۳ تا ۸ قابل اعمال است.

مدت تعویق صدور حکم ۶ ماه تا دو سال است. اما مدت تعلیق اجرای مجازات ۱ سال تا ۵ سال است.

جرائم ماده ۴۷ مشترکاً قابل تعلیق و تعویق نیستند.

بنابراین طبق ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی جدید، بعضی از این جرایم قابل تعلیق نیست. جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، خرابکاری در تأسیسات آب، برق، گاز، نفت و مخابرات جزو جرایمی است که مجازاتش قابل تعلیق و تعویق نیست و مرتکبان چنین جرایمی شایسته ارفاق نیستند؛ همچنین جرایم سازمان یافته نشان می‌دهد که مرتکبان آنها افراد خطرناکی هستند. مرتکبان جرایم علیه عفت عمومی قابلیت تعلیق اجرای مجازات یا تعویق صدور حکم را ندارند.

### ۵-۳-۳- سازمان یافتگی جرم

تعریف های زیادی از جرم سازمان یافته ارائه شده است که با وجود تفاوت هایی که دارند از حیث مفهوم مشترک هستند. در یکی از کوتاه ترین تعریف ها جرم سازمان یافته عبارت است از: «فعالیت مجرمانه مستمری که با هماهنگی صورت می گیرد.» (بخشی زاده، ۱۳۹۲: ۲۹۵)

این تعریف که هم دایره جرم سازمان یافته را بسیار گسترده کرده و تمام جرایمی که با مشارکت یا معاونت دو یا چند نفر ارتکاب می یابد را شامل می شود و هم از حیث تعداد مرتکبان و نوع فعل ارتكابی و شرایط و خصوصیات اطلاق دارد، دارای معنای جامع و مانع نبوده و نمی تواند مبنای مباحث مربوط قرار گیرد. در تعریفی دیگر که مورد اتفاق تمامی جرم شناسان معرفی شده است، جرم سازمان یافته اقدام مجرمانه مستمری است که برای کسب سود و منفعت از طریق انجام فعالیت های غیر قانونی مورد نیاز مردم انجام می شود از آن جا که جرایم سازمان یافته به طور عمدتاً توسط سازمان ها و گروه های مجرمانه ارتکاب می یابد، در بررسی ویژگی های جرم سازمان یافته، علاوه بر مطالعه جرایم ارتكابی، لازم است به بررسی ویژگی های سازمان های مرتکب این گونه جرایم هم پرداخته شود، زیرا سازمان خود نقش مهمی را در ارتكاب و جهت دهی جرایم ارتكابی و متصف کردن آن ها به جرم سازمان یافته دارد. (بخشی زاده، ۱۳۹۲: ۲۹۶)

در روان شناسی جنایی ثابت شده است در صورتی که برای ارتكاب جرمی دسته، گروه و باند و امثال آن وجود داشته باشد، از نظر روانی ارتكاب جرم برای شخص مرتکب آسان تر است؛ (کی نیا، ۱۳۷۴: ۳۲۳ و ۳۲۴) و شخص با نگرانی و واهمه کم تری به ارتكاب جرم مبادرت می ورزد، زیرا:

اولاً: افرادی را همانند خود می یابد و در ارتكاب جرم همکارانی را دارد که زمینه ارتكاب جرم را فراهم می سازند و او را به اهداف مجرمانه اش نزدیک تر می سازند.

ثانیاً: وجود شرکا و معاونان در ارتكاب جرم موجب می شود نقش شخص مرتکب در جرم به هنگام تعقیب و محاکمه کم رنگ تر از وقتی باشد که وی آن جرم را به تنهایی انجام می داده است و در نتیجه از نظر روانی شخص مجازات کم تری را در صورت تعقیب و محاکمه برای خود پیش بینی می کند.

### ۶-۳-۳- مجازات صورت حدی جرم

#### ۱- صورت حدی:

صورت حدی جرم دایر کردن مراکز فساد و فحشاء در ماده ۲۸۶ مصوب ۱۳۹۲ توضیح داده شده است که هر کس به طور گسترده مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد و جرایم علیه امنیت داخلی شود مستوجب این ماده می شود. ماده ۲۸۶ - هر کس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایرکردن مراکز فساد

و فحشا یا معاونت در آنها گردد به گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد. (قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲)

تبصره - هرگاه دادگاه از مجموع ادله و شواهد قصد اخلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده و یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع و یا علم به مؤثر بودن اقدامات انجام شده را احراز نکند و جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زیانبار جرم، مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می‌شود. (قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲)

«محرابه و افساد فی الارض» جزو جرائم و گناہانی است که دارای مجازات خاص و معین شرعی بوده و از این جهت، در حوزه حدود (مجازات هایی که کمیت و کیفیت آنها در شرع مشخص شده است) جای می‌گیرد.

## ۲- صورت تعزیری:

ماده ۶۳۹ - افراد زیر به حبس از یک تا ده سال محکوم می‌شوند و در مورد بند «الف» علاوه بر مجازات مقرر، محل مربوطه به طور موقت با نظر دادگاه بسته خواهد شد:

الف - کسی که مرکز فساد و یا فحشا دایر یا اداره کند.

ب - کسی که مردم را به فساد یا فحشا تشویق نموده یا موجبات آن را فراهم نماید.

تبصره - هرگاه بر عمل فوق عنوان قوادی صدق نماید علاوه بر مجازات مذکور به حد قوادی نیز محکوم می‌گردد. (قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲)

صورت تعزیری جرم دایر کردن مراکز فساد و فحشاء شامل اداره کردن و تشویق کردن می‌شود.

## الف- اداره کردن

جرم دایر کردن مرکز فساد و فحشاء، جرمی به عادت و مستمر است که نیاز به تکرار فعل دارد به گونه‌ای که عنوان اداره مرکز و فساد و فحشاء صادق باشد. بنابراین با تکرار اداره محل در مدت زمانی خاص تکرار جرم محقق نخواهد شد.

از سوی دیگر این جرم جرمی مستقل است و معاونت در حد زنا و مانند آن نیست. چرا که به صورت خاص جرم انگاری شده است. لذا براساس ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب (۱۳۹۲) معاونت در جرایم حدی و تعزیری قابل تعلیق نیست.

باید توجه داشت، گرچه ارتکاب هر یک از این دو جرم به تنهایی مجازات جداگانه دارد، اما آن گاه این دو در کنار هم و همراه یکدیگر واقع شوند. در واقع ماهیتی یکسان دارند و به موجب ذیل ماده ۴۷ ق. م. ا. جرایم ارتكابی اگر مختلف نباشند، ارتکاب آن‌ها موجب تشدید است. بنابراین مرتکب این دو جرم در واقع جرم اشاعه فحشاء را مرتکب شده‌اند. چرا که در حقیقت کسی

که مرتکب جرم دایر کردن و اداره مرکز فحشاء می‌شود، افراد را به ارتکاب جرم تشویق نیز می‌کند. البته اگر کسی فقط مرتکب تشویق به فساد و فحشاء شود، مجازات غیر مشدد خواهد داشت. (زراعت، ۱۳۸۰: ۲۲۵)

بر اساس ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، هر گاه در جرایم تعزیری رفتار واحد دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد، مرتکب صرفاً به یک مجازات و آن هم مجازات جرم اشد محکوم می‌شود. به عنوان مثال چنانچه شخصی با ارایه سند

مجعول شروع به کلاهبرداری کند، رفتار وی دارای دو عنوان مجرمانه است که در تعیین مجازات باید صرفاً یک مجازات و آن



هم مجازات بزهی که در قانون شدیدتر است، لحاظ شده و مورد حکم قرار گیرد.

درباره مجازات تعدد مادی (واقعی) جرم در جرایم تعزیری نیز باید گفت که در قانون مجازات اسلامی، نوع و جنس جرایم ارتكابی در تعیین مجازات و میزان آن موثر نبوده، بلکه آنچه موثر است، تعداد جرایم ارتكابی و وجود یا نبود حداقل و حداکثر برای مجازات قانونی جرم است.

در خصوص جرایم تعزیری، هر گاه جرایم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد یا بیشتر باشد یا در مواردی که هر کدام از جرایم دارای حداقل و حداکثر است مانند اینکه مجازات جرمی از سه تا ۱۰ سال باشد یا اینکه فاقد حداقل و حداکثر است مانند اینکه مجازات جرم سه سال حبس باشد، در میزان مجازات موثر است و در هر فرض ضابطه تعیین مجازات متفاوت خواهد بود. تعدد جرم تعزیری دارای استثناهایی است، یکی از این موارد، تعدد جرم در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت است. به موجب مقررات تبصره ۳ ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲)، مقررات تعدد جرم در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت اعمال و اجرا نمی‌شود. بدین معنا که اگر کسی مرتکب جرایم متعدد شود که دارای مجازات درجه هفت و هشت باشد، به مجازات هر یک از جرایم ارتكابی از نوع درجه هفت و هشت محکوم می‌شود و در اجرا نیز قاعده جمع مجازات‌ها اعمال و تمامی مجازات‌ها به مورد اجرا گذاشته می‌شود همچنین اگر فردی مرتکب جرایم متعددی شود که برخی از آنها دارای مجازات درجه هفت و هشت باشد و برخی دیگر دارای مجازات درجه یک تا شش باشد، مجازات‌های جرایم درجه هفت و هشت با مجازات سایر درجه‌ها جمع می‌شود.

### ب) تشویق کردن

مراد از تشویق کردن به فساد نیز به معنی ایجاد زمینه و برانگیختن دیگری برای انجام کارهای حرام و جرایم جنسی است که مرتکب غالباً با استفاده از تلفن یا مراجعه به اشخاص زمینه ارتكاب ارضای تمایلات جنسی را برای افراد نامحرم فراهم می‌کند، بدون اینکه محل یا مکانی را برای انجام این قبیل اعمال منکراتی شخصاً تهیه و در اختیار مرتکبان جرم قرار دهد. (اشتری، ۱۳۸۰: ۱۲۳)

در مورد اول: اداره کردن مرکز فساد یا فحشاء به معنی مدیریت و رهبری کارها و فعالیتهای مجرمانه ای است که در مرکز فساد یا فحشاء صورت می‌گیرد. بنابراین اداره کننده ممکن است کسی غیر از دایر کننده محل فساد یا فحشاء باشد که در اینجا به لحاظ مخاطرات ناشی از رهبری و مدیریت این قبیل اماکن، قانونگذار مستقلاً آن را مجرمانه تلقی کرده است. اما هر گاه دایرکننده و اداره کننده مرکز فساد یا فحشاء یک نفر باشد عمل او از مصادیق تعدد مادی جرم موضوع صدور ماده ۱۳۱ و ۱۳۲ قانون مجازات جدید مصوب (۱۳۹۲) و قانون قدیم ماده (۴۷) مجازات عمومی خواهد بود. بنابراین باید بین دایر کننده مرکز فساد و فحشاء با شخصی که فقط مسئولیت اداره آنجا را بر عهده دارد فرق گذارد. به دلیل اینکه قانونگذار در ماده موصوف با لفظ (یا) دایر کردن را از (اداره کردن) تفکیک و جدا نموده و این به آن مفهوم است که دایر کننده و اداره کننده مرکز فساد یا فحشاء ممکن است دو نفر باشند و عملیات هر یک از آنها بر حسب مورد در جای خود بالاستقلال تشکیل دهنده عنصر مادی جرم خواهد بود. (اشتری، ۱۳۸۰: ۱۲۸)

تشویق مردم به فساد یا فحشاء و یا موجبات آن را فراهم آوردن در واقع از مصادیق معاونت در جرم مندرج در ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی است ولی قانونگذار نظر به اهمیتی که برای این قبیل اعمال قائل شده و اگر توسعه و گسترش یابند ممکن است جامعه را به فساد و تباهی بکشاند لذا به آن اطلاق «معاونت در حکم مباشرت» داده و مرتکب را به عنوان فاعل مستقل

جرم قابل تعقیب و مجازات شناخته است. منتهی نکته قابل بحث این است که میزان و حدود تشویق مردم باید تا چه اندازه‌ای باشد تا بتوان مرتکب را قابل تعقیب دانست.

در مورد دوم: فعل مادی مجرمانه عبارت است از مورد استفاده قرار دادن محل یا مکانی برای انجام کارهای زشت و حرام و جرایم جنسی توسط شخص مرتکب است، به طوری که امکانات لازم برای برآوردن تمایلات جنسی زنان و مردان نامحرمی که به آنجا وارد می‌شوند به دور از چشم اشخاص فراهم باشد هر چند محل مورد نظر منحصراً برای این کار اختصاص نیافته باشد. مانند اتاق یا سالن یا خانه باغ و نظایر اینها، تملک یا اجاره محل، مؤثر در مقام نیست آنچه مهم می‌باشد این است که لازمه دایر کردن این قبیل اماکن فساد و منکراتی مستلزم مداومت انجام عملیات خلاف اخلاق اسلامی در آنجا می‌باشد. بنابراین ارتکاب یک بار انجام یکی از جرایم جنسی و منکراتی را در یک محل نمی‌تواند از مصادیق این جرم به حساب آید. بلکه ممکن است به عنوان ایجاد رابطه نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا قابل تعقیب و مستحق مجازات دانست. اما چنانچه در محلی ارتکاب جرایم منکراتی و عمل حرام مداومت پیدا کند و این قبیل اعمال چند بار تکرار شود و تعداد دفعات حداقل دو بار یا بیشتر باشد مصداق دایر کردن مرکز فساد یا فحشاء خواهد بود.

بند (ب) ماده ۶۳۹ مصوب ۱۳۹۲ که می‌گوید: کسی که مردم را به فساد یا فحشا تشویق نموده یا موجبات آنرا فراهم نماید. و در ذیل این ماده در تبصره ای می‌گوید: هرگاه بر عمل فوق عنوان قوادی صدق نماید علاوه بر مجازات مذکور به حد قوادی نیز محکوم می‌گردد.

### نتیجه گیری

در ادبیات حقوقی، شخصی که در جریان عملیات مجرمانه شرکت نداشته اما به تبع اعمال مجرمانه مباشر و شریک جرم، به هر نحوی از انحاء ایشان را در ارتکاب اعمال مزبور یاری کرده و با رفتارهای خاص عمدی خویش وقوع جرم را تسهیل کرده باشد معاون جرم تلقی می‌شود. در این حال مساعدت معاون جرم حتی اگر اقوی از عمل مباشر هم باشد، بدون ورود مستقیم (از طریق فعل یا ترک فعل) در عملیات اجرایی مباشرت تلقی نمی‌شود.

علاوه بر اینکه معاون باید با علم و عمد مجرم را یاری رسانده باشد، اصولاً باید بین عمل مباشر (فاعل) جرم و اقدام‌های معاون جرم وحدت قصد مجرمانه حاکم باشد یعنی معاون همان نتیجه‌ای را بخواهد که قبلاً یا همزمان مباشر جرم نیز خواسته است. همچنین به طور عام، بین عمل معاون با عمل مباشر باید تقدم یا اقتران زمانی نیز دیده شود به بیان ساده‌تر میان مباشر و معاون، تبانی قبلی یا تفاهم لحظه‌ای برای ارتکاب جرم معینی وجود داشته باشد که نقش معاون نه ورود مستقیم در اعمال مادی جرم با هر کمیتی بلکه از طریق تحریک و ترغیب یا تهیه وسایل و تسهیل وقوع جرم و... خواهد بود که نقشی تبعی و فرعی است. به علاوه چنانچه فاعل اصلی جرم، جرمی شدیدتر از آنچه مقصود معاون بوده است مرتکب شود، معاون به مجازات معاونت در جرم ضعیف‌تر محکوم می‌شود.

در بر خورد با مسئولیت جزایی، گاه مجرم در شرایط عادی مسئولیت قرار می‌گیرد و به تنهایی جرمی را انجام می‌دهد یا به ترک فعلی مبادرت می‌ورزد که می‌توان او را تحت عنوان ((مباشر)) یا ((فاعل)) جرم تعقیب و مجازات کرد. گاه نیز مجرم با دیگران در ارتکاب جرم هم‌کاری می‌کند که این هم‌کاری ممکن است زیر عنوان شرکت یا معاونت بررسی می‌گردد و حسب آنکه نحوه این هم‌کاری چگونه باشد معاون و شریک جرم تفکیک می‌شوند.

وجه تمایز شریک از معاون غالباً در آن است که شریک در میدان عملیات مجرمانه در کنار مباشر است و قسمتی از عملیات اجرایی را خواه کم خواه زیاد انجام می دهد اما معاون معمولاً در خارج از این میدان و صرفاً با رفتارهای خاص عمل مباشر را تسهیل می کند یا او را به ارتکاب جرم تشویق و ترغیب می نماید و یا به رفتارهای دیگر بدون ورود در میدان عملیات اجرایی متوصل می شود.

قانون مجازات اسلامی در مورد شرکت در حقوق جزای عرفی چندان فاصله ندارد اما در مورد این فاصله زیاد شده است. لازم به توضیح است که ماده ۴۳ که بعداً توسط ماده (۷۲۶) تکمیل شد در خصوص مجرمیت از تئوری استعاره ای (عاریه ای) پیروی نموده است و لیکن از لحاظ پیرو و نظام مستقل است. لیکن بر این ماده ایراداتی وارد است:

- ۱- در صدر ماده (۴۳) از جمله ابتدا مجازات بیان شده در صورتی که از نظر فن قانون گذاری باید اصل عنوان مجرمانه بیان می شد و سپس به ترتیب عنصر مادی و بعد عنصر معنوی و بعد کیفیات مخففه و مشدده بیان می شد.
  - ۲- این ماده از لحاظ عبارت پردازی بسیار نامناسب است به کار بردن اصطلاحات از جمله خاطی مرتکب جرم یا مجرم شده.
  - ۳- ابهام در مورد معنای شرایط و امکانات معلوم نیست که شرایط مالی و یا روحی مراد است یا چیز دیگر.
  - ۴- ابهام در مورد دفعات و مراتب جرم، در حقوق جزا، یا تکرار جرم وجود دارد یا تعدد، معنای دفعات و مراتب چیست
  - ۵- مفهوم تادیب چیست؟ آیا تادیب دفعات دارد؟
  - ۶- وعظ کلمه ای است که در امور اخلاقی و مذهبی کاربرد دارد و شایسته متن قانون نیست و بهتر بود واژه سیاستهای اصلاحی و اقدامات تأمینی را بکار می برد.
  - ۷- تهدید خود یک عنوان مجرمانه است که نمی تواند به عنوان مجازات قانونی مورد استفاده قرار گیرد بهتر بود واژه اخذ تعهد را بکار می برد.
  - ۸- مفهوم درجات تعزیر چیست، مبهم است.
- باید توضیح داد که در مورد ماده (۷۲۶) این ایراد وارد است که برخی از جرائم حداقل مجازات ندارند. به نظرمی رسد که برای پرهیز از این ابهامات بهتر بود مجازات معاون بامجازات مباشر یکسان باشد، لیکن به قاضی اختیار تخفیف مجازات برای معاون اعطاء می گردید.

## منابع

- ۱- آقایی نیا، حسین، حقوق کیفری اختصاصی (جنایات)، تهران، نشر میزان، چ اول، ۱۳۸۴.
- ۲- اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم نشر میزان چاپ سی و سوم تابستان. ۱۳۹۳.
- ۳- جعفری لنگردوی، محمد جعفر، ترمینوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۴.
- ۴- حبیب زاده، محمد جعفر، محاربه در حقوق کیفری ایران، تهران، آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۹.
- ۵- زراعت، عباس، قانون مجازات اسلامی در نظم، تهران، نشر ققنوس، سال ۱۳۸۷.
- ۶- زرقانی، حسن، حقوق جزای عمومی، نشر آژند، چاپ اول، سال ۱۳۹۲.
- ۷- ساکی، محمد رضا، حقوق جزای عمومی، (مسئولیت کیفری) با لحاظ قانون جدید مجازات اسلامی، سال ۱۳۹۲ و اصلاحات و تجدید نظر کلی، انتشارات جنگل، جاودانه، چاپ اول، سال ۱۳۹۲.
- ۸- سبزواری نژاد، حجت، حقوق جزای عمومی ایران، انتشارات مجد، چاپ دوم، ۱۳۹۵.
- ۹- سبزواری نژاد، مهدی، حقوق جزای عمومی ایران، انتشارات مجد، چاپ دوم، ۱۳۹۵.
- ۱۰- شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، نشر مجد، چاپ دوم، سال ۱۳۹۲.
- ۱۱- شمس ناتری، م. قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، انتشارات میزان، چاپ دوم. ۱۳۹۲.
- شهد ثانی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، موسسه اسماعیلیان، چاپ هفتم، ۱۳۸۰.
- ۱۲- صادقی، م. حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)، چاپ ۲۰، نشر میزان، تهران: ۱۳۹۲.
- ۱۳- صانعی، پ. حقوق جزای عمومی، چاپ اول، تهران، انتشارات طرح نو، جلد دوم. ۱۳۸۸.
- ۱۴- عمید، حسن، فرهنگ فارسی، انتشارات سپهر، تهران، جلد دوم، چاپ سوم. ۱۳۷۴.
- ۱۵- عوده، ع. حقوق جزای اسلامی جلد ۲، مترجمان ناصر قربانی نیا - سید مهدی منصورنعمت الله الفت - بازرنگری و تحقیق عباس شیری، نشر میزان، چاپ اول. ۱۳۷۳.
- ۱۶- فیض، ع. مقارنه و تطبیق در حقوق جزای اسلام، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم، تهران. ۱۳۷۳.
- ۱۷- لنگرودی، محمد جعفر، مقدمه عمومی علم حقوق، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ سوم سال ۱۳۷۱.
- ۱۸- گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی جدید، مصوب سال ۱۳۹۲، انتشارات مجد، چاپ دوم. سال ۱۳۹۲.
- ۱۹- مرادی، ح. شرکت و معاونت در جرم، تهران: انتشارات میزان، چاپ سوم. ۱۳۷۳.
- ۲۰- مرعشی، محمد حسن، دیدگاه های نو در حقوق کیفری اسلام (جلد دوم) (تهران نشر میزان، سال ۱۳۷۹).
- ۲۱- مصدق، محمد، شرح قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲، با رویکردهای کار بردی، نشر- جنگل، چاپ ششم، سال ۱۳۹۳.
- ۲۲- میر محمد صادقی، حسین، حقوق کیفری اختصاصی ۱، جرایم علیه اشخاص، چاپ سیزدهم، سال. ۱۳۹۲.
- ۲۳- میر محمد صادقی، حسین، جرایم علیه اشخاص، چاپ هفدهم، پاییز ۱۳۹۳.
- ۲۴- موسوی بجنوردی، م. قواعد فقهیه، مجمع علمی فرهنگی مجد، چاپ سوم. ۱۳۹۲.
- ۲۵- نجفی ابرند آبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید، دانشنامه جرم شناسی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی با همکاری کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۷.
- ۲۶- نوربها، رضا، زمینه ی حقوق جزای عمومی با تجدید نظر و اضافات، نشر گنج دانش چاپ بیست و سوم، سال ۱۳۸۷.

۲۷- ولیدی، محمد صالح، شرح بایسته های قانون مجازات اسلامی، انتشارات جنگل، جاودانه، چاپ اول. ۱۳۹۳.

مقالات:

۱- آقابائی، حسین، اندیشه: گفتمان فقهی و جرم انگاری در حوزه جرائم علیه امنیت ملت و دولت، فقه و حقوق، شماره ۵. سال

۱۳۸۴

۲- آزمایش، سید علی، تقریرات درس حقوق جزای اختصاصی ۲، پلی کی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال

تحصیلی ۱۳۷۸-۱۳۷۹

۳- ابراهیمی جم، سپیده، احمدیان، رضا، علل شکل گیری فضاهای بی دفاع شهری در پایانه غرب. شهر تهران پژوهشنامه

جغرافیا انتظامی، سال اول، شماره چهارم. زمستان ۱۳۹۲

۴- سلطانیان، مریم، نقش توبه در سقوط مسئولیت کیفری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم. ۱۳۸۶.